

بنام حضرت داوود جان و

شماره ۱
زمستان
۱۴۰۳

سالنامه تیف

هروری بر نشست های کافه تیف در سال ۱۴۰۳

حامی مالی

میهمانان

هلدینگ فناوری اطلاعات بانک شهر
حمید بنائیان | حمید آذرمنند | حسام حبیب‌اله | سید مهدی خرازی
احسان کریمی اسکندری | وحید خدابخشی | هاشم حبیبی
فرهاد اینالویی | میثم نمازی | بهزاد صفری | مصطفی امیری
حمید کردبچه | حسام مقصودلو | هادی ابراهیمی | سعید فردانی
امیرعباس امامی | مهدی قادری | فرامرز فیاض‌فر | داوود محمدبیگی
محمدحسین کاشی | علی گل‌زاده | اصغر باباپور | حمزه آقابابایی
محمدرضا جمالی | فرهاد وکیلان

سارا دلیریان

سردبیر

مقدمه

راهی جز گفت‌وگو نداریم
در کافه تیف به دنبال چه بودیم؟

کافه اول

اقتصاد ایران به جایگزینی روش‌های اعتباری با رویکرد تسهیلات‌دهی نیاز دارد
راه‌گزینی جز روش‌های تأمین مالی جدید نیست
رویکرد به ابزارهای فناورانه باید از منظر کسب‌وکاری باشد



کافه دوم

امنیت، ضمانت تداوم کسب‌وکار است
امنیت باید به‌عنوان دارایی نامشهود کشورها و سازمان‌ها پاسداری شود
تبدیل امنیت به مقوله‌ای قابل‌ارزیابی وظیفه حاکمیت است
بازار امنیت سایبری در ایران کوچک است



کافه سوم

مفهوم نئوبانک در کشور ما ایرانیزه شده است
بیگ دیتا در نئوبانک حرف اصلی را می‌زند
تعریف واحدی از نئوبانک وجود ندارد
نیاز متقابل کسب‌وکارها و نئوبانک‌ها



کافه چهارم

فناوری‌های مالی به بومی‌سازی خدمات نوین کمک می‌کنند
یکپارچگی داده‌ها؛ بخش مغفول هوشمندسازی خدمات در ایران
فعالان حوزه پرداخت به مقوله شهر هوشمند ورود جدی نکرده‌اند
مدیریت شهر هوشمند، نیازمند نگاهی جامع و هماهنگ



کافه پنجم

گسترش توکنایز؛ راه‌حل بخشی از مشکلات اقتصاد کشور
توکن‌سازی، فرصت‌ها و چالش‌ها
بلاک‌چین؛ پارادایم جدیدی در ساختار اجتماعی و اقتصادی
ضرورت ایجاد چارچوب رگولاتوری شفاف برای توکن‌سازی



کافه ششم

مدیریت ریسک در بانک‌ها را می‌توان به هوش مصنوعی سپرد؟
هوش مصنوعی مولد؛ پرسش‌های درست، پاسخ‌های هوشمند
بومی‌سازی هوش مصنوعی در عین پیروی از استانداردهای بین‌المللی
استراتژی داده در سازمان‌های بزرگ؛ چالش‌ها و راهکارها



کافه هفتم

چالش‌های اصلاح نظام پرداخت در ایران
نظام کارمزد؛ تعادل میان ریسک و هزینه
لزوم اصلاح ساختار پرداخت‌های خرد در ایران
لزوم قانون‌گذاری صحیح برای رشد صنعت پرداخت





علی نوری

مدیرعامل هلدینگ فناوری

اطلاعات بانک شهر

راهی جز گفت‌وگو نداریم

فناوری اطلاعات بانک شهر به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی در حوزه فناوری‌های مالی، مسئولیت خود می‌دانست که به توسعه اکوسیستم فین‌تک کشور کمک کند و خوشبختانه با حمایت از نشست‌های «کافه تیف» گامی در جهت این هدف برداشتیم. مرور آنچه در نشست‌های هفت‌گانه عنوان شد، نشان می‌دهد که سرعت تحولات در حوزه فین‌تک، تدوین قوانین جامع و به‌روز را دشوار کرده و رگولاتورها باید با این تغییرات همگام شوند.

ایجاد تعادل بین تسهیل نوآوری و حفظ امنیت و ثبات نظام مالی، چالش اصلی رگولاتورهاست. بنابراین، آن‌ها باید بتوانند با چارچوب‌های نظارتی مناسب، ضمن حفظ امنیت، از نوآوری‌ها نیز حمایت کنند. از سوی دیگر، امنیت سایبری بزرگ‌ترین دغدغه رگولاتورها در مواجهه با ریسک‌های فین‌تک است. افزایش حملات سایبری و پیچیدگی روش‌های کلاهبرداری، تهدیدی جدی برای بانکداری دیجیتال محسوب می‌شود و رگولاتورها تلاش دارند با تقویت زیرساخت‌های امنیتی و همکاری‌های بین‌المللی، با این تهدیدات مقابله کنند. امیدوارم ادامه نشست‌های کافه تیف در سال ۱۴۰۴، علاوه بر تقویت جریان تبادل نظر میان بازیگران اکوسیستم، زمینه‌ساز اقداماتی مشابه برای تسریع مفاهیم و حل چالش‌ها از مسیر گفت‌وگو باشد.

طی سال‌های متمادی فعالیت در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات که بخشی از آن هم به‌صورت متمرکز به حضور و فعالیت در بخش بانکداری و پرداخت الکترونیکی گذشته است، ضرورت تبادل نظر و گفت‌وگو میان بازیگران مختلف این اکوسیستم یکی از مسائلی بوده و هست که همواره به آن باور داشتم. باوجود برگزاری رویدادها و نشست‌های متعدد، همچنان جای خالی فضایی کارشناسی برای گرد هم آمدن صاحب‌نظران و فعالان این حوزه را احساس می‌کردم. این ضرورت به‌ویژه در سال‌های اخیر و با سرعت گرفتن نوآوری‌های دیجیتالی و ورود محصولات و خدمات مبتنی بر فناوری اطلاعات به صنعت مالی بیش‌ازپیش احساس شد، چراکه به‌تبع این نوآوری‌ها، چالش‌های تنظیم‌گری نیز در این حوزه گسترده‌تر شده است.

از این‌رو پیشنهاد مطرح‌شده مبنی بر برگزاری سلسله نشست‌هایی با عنوان «کافه تیف» را که عنوانی مرتبط با دغدغه من بود، به فال نیک گرفتم و عزمم را بر حمایت از این ایده جزم کردم. امروز که در پایان سال ۱۴۰۳ به نتیجه هفت جلسه برگزارشده و مباحث مطرح‌شده نگاه می‌کنم، خشنودم که تصمیم حمایت از کافه تیف، تصمیمی درست و در راستای کمک به بسط فرهنگ گفت‌وگو در اکوسیستم فناوری‌های مالی کشور بوده است.

گذشته از دغدغه‌های شخصی، هلدینگ



سارا دلیریان
مدیر روابط عمومی هلدینگ
فناوری اطلاعات بانک شهر

در کافه تیف

به دنبال چه بودیم؟

از سوی دیگر با حمایت از برگزاری نشست‌های کافه تیف به دنبال آن بودیم تا شکاف دیجیتالی را در جامعه کاهش و به افزایش سواد فناوری جامعه نخبگان کمک کنیم چرا که بدون شک ارتقای سطح دانش و آگاهی به افراد و سازمان‌ها کمک می‌کند تا از مزایای فناوری‌های جدید بهره‌مند شوند.

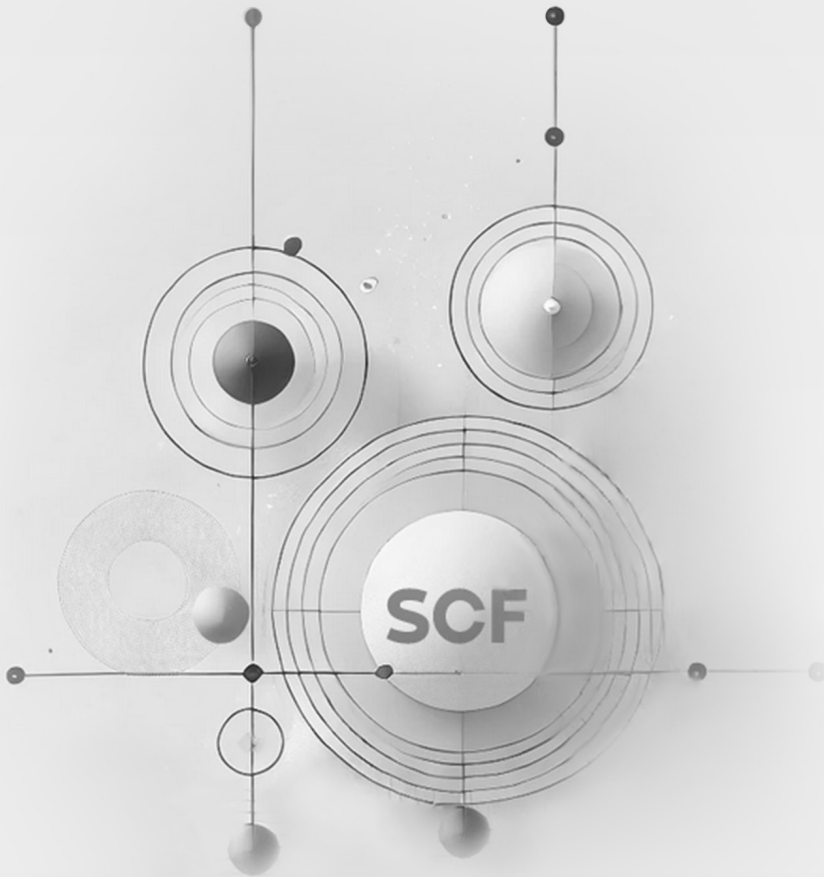
ایجاد فضای گفتگو و تبادل نظر، می‌تواند فرصت‌های جدید کسب‌وکار را آشکار و به علاقه‌مندان و فعالان کمک کند تا از آخرین تحولات و روندهای فناوری آگاه شوند و محصولات و خدمات جدیدی را توسعه دهند.

در راستای همین اهداف طی سال ۱۴۰۳ به همت متولیان کافه تیف، مجموعاً ۷ نشست تخصصی با حضور بیش از ۳۰ فعال، صاحب‌نظر و کارشناس حوزه اقتصاد دیجیتال، خدمات فناوری‌های مالی و بانکداری و پرداخت الکترونیکی در موضوعات مختلف برگزار شد.

نام «کافه تیف» با الهام از دو مفهوم کلیدی انتخاب شده است؛ تیف در زبان پارسیان قدیم به معنای رویش و جوانه‌زدن است که نمادی از رشد و شکوفایی در حوزه فین‌تک به شمار می‌رود. از سوی دیگر TIF مخفف سه واژه، Technology، Innovation و Financial است که به ماهیت و اهداف این نشست‌ها اشاره دارد.

هلدینگ فناوری اطلاعات بانک شهر به‌عنوان بازوی نوآوری و تحول دیجیتالی بانک شهر با درک عمیق از اهمیت تبادل نظر و هم‌اندیشی در عصر فناوری‌های نوین از بهار سال ۱۴۰۳ حمایت از برگزاری سلسله نشست‌هایی تخصصی با عنوان «کافه تیف» را در دستور کار خود قرار داد. این هلدینگ، با احساس مسئولیت در قبال توسعه اکوسیستم فین‌تک کشور، بر آن بود تا با ایجاد فضایی پویا و تعاملی، بستری مناسب برای گفتگو، تبادل ایده و هم‌افزایی بین فعالان این حوزه فراهم آورد. کافه تیف، صرفاً نه یک رویداد، بلکه تعهدی از سوی هلدینگ فناوری اطلاعات بانک شهر برای تقویت و بسط فضای گفتگو و نوآوری در عرصه فناوری‌های مالی و بانکی بود تا به این ترتیب جریان گفت‌وگو میان بخش‌های مختلف اکوسیستم از رگولاتورها گرفته تا نوآوران برقرار بماند.

ما در هلدینگ فناوری اطلاعات بانک شهر باور داریم هلدینگ‌های فناوری نقشی کلیدی در شکل‌دهی و تقویت اکوسیستم نوآوری دارند و با ایجاد فضاهای گفتگو و تبادل نظر، می‌توانند و باید به شناسایی و پرورش ایده‌های نوآورانه کمک کنند. این اقدامات به ایجاد شبکه‌های ارتباطی بین فعالان حوزه فناوری از جمله استارت‌آپ‌ها، شرکت‌های بزرگ، دانشگاه‌ها و سرمایه‌گذاران منجر می‌شود.



ارتباطات هوشمند شهر
هلدينگ فناوری اطلاعات بانک شهر
SHAH BANK ICT HOLDING



اولین نشست کافه تیف، خردادماه

چالش ها و چشم انداز تامین مالی زنجیره ای در اقتصاد ایران

دبیر نشست:

احسان اردستانی

کارشناس حوزه فین تک



حمید بنائیان

معاون سابق

بانکداری الکترونیک بانک آینده



حسام حبیب‌اله

معاون فناوری اطلاعات

بانک شهر



حمید آذرهند

مدیر سابق اداره تأمین مالی

زنجیره‌ای تولید بانک مرکزی

SCF

رویگرد به ابزارهای فناورانه باید از منظر کسب‌وکاری باشد

محصول را طراحی و عرضه کرد. در غیر این صورت دچار چالش‌هایی می‌شویم که اکنون برخی از آن‌ها را در موارد مختلف مشاهده می‌کنیم. ضرورت این دقت نظر در نحوه گسترش استفاده از ابزارهای جدید در لایه‌های دیگری نیز مطرح است. یکی از این لایه‌ها، درون بانک‌ها است آن هم در تمامی سطوح به‌ویژه شعب بانک. واقعیت این است که نیروهای ما در بانک‌ها هم چندان با ابزارهای جدید آشنا نیستند و حتی اگر با برگزاری دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های دانش‌افزایی با ادبیات روش‌ها و ابزارهایی مانند تأمین مالی زنجیره‌ای آشنا شده باشند تا وقتی از



حسام حبیب‌الله
معاون فناوری اطلاعات بانک شهر

نکته بسیار مهمی که به نظر می‌رسد در منظومه اکوسیستم بانکی و فین‌تکی کشور اعم از رگولاتورها و بازیگران، مغفول واقع شد این است که از مدخل فناوری نمی‌توان به ابزارها و محصولات وارد شد؛ بلکه با درنظرگرفتن نیاز کسب‌وکارها باید

اصلی بخش واقعی اقتصاد تبدیل کرده و دیگری نیز فقدان شمولیت ابزارها است. به عنوان مثال می توان به چک الکترونیکی اشاره کنم؛ این ابزار در بانک مرکزی تعریف شده و اجرای آن به تمام بانکها الزام شده و برخی از بانکها هم چک الکترونیکی را عملیاتی کرده اند؛ اما تا زمانی که بسترهای لازم پذیرش این چکها در تمامی شبکه بانکی فراهم نباشد و امکان صدور آن در تمام بانکها فراهم نشده باشد حتی همان بانکهای پیشرو نیز در استفاده از آن چالش خواهند داشت. ابزارهای اعتباری مانند SCF هم همین گونه هستند و تا استفاده از آنها شمولیت پیدا نکند از کارایی لازم برخوردار نخواهند بود.

نظر فکری نسبت به ضرورت گسترش این روشها و فوائد آنها اقع نشده باشند ما در خط مقدم ترویج و تشویق بازیگران دیگر دچار اختلال هستیم. از اهمیت این مسئله اصلاً نباید به سادگی گذشت چرا که نه تنها ما در بانک شهر بلکه بدون شک سایر بانکها هم با اینرسی و مقاومتی که در لایه شعب در برابر ابزارها و روشهای جدید وجود دارد کاملاً مواجه هستند و تا زمانی که این مقاومت روانی که تا حد زیادی ناشی از خو گرفتن نیروها با روشهای قدیمی است، باقی باشد نمی توان به گسترش استفاده از خدمات نوین امیدوار بود.

شبه ابزارهایی با کارایی شبیه SCF که در حال حاضر نیز در زنجیره تأمین مالی مورد استفاده قرار می گیرند با کارکردهای واقعی و درست خود فاصله دارند

یکی از نکات مهمی که در آسیب شناسی و ارائه راه حل های ناظر بر افزایش کارایی ابزارهایی مانند SCF باید مورد توجه قرار داد این است که شبه ابزارهایی با همین کارایی که در حال حاضر نیز در زنجیره تأمین مالی مورد استفاده قرار می گیرند با کارکردهای واقعی و درست خود فاصله دارند. به عنوان مثال صکوک یا برات کارت، آنچه در عمل اتفاق می افتد با کارکردی که از این ابزارها انتظار داشتیم به شدت فاصله دارد؛ به محض اینکه یکی از این ابزارها در اختیار حلقه دوم زنجیره قرار می گیرد آن را نقد می کند و عملاً تأمین مالی و انتقال تعهد از حلقه قبلی به حلقه بعدی زنجیره اتفاق نمی افتد. این رفتار از دو خاستگاه نشئت می گیرد؛ تورم مزمن در اقتصاد ایران که حفظ ارزش پول را به یکی از دغدغه های



SCF

اقتصاد ایران به جایگزینی روش‌های اعتباری با رویکرد تسهیلات‌دهی نیاز دارد

مالی کوتاه و بلندمدت وجود دارد از مدت‌ها قبل تئوریسین‌های اقتصادی را به فکر انداخته بود تا ابزارها و روش‌هایی طراحی کنند که در شرایط مختلف و با در نظر گرفتن اقتضائات تأمین مالی از بازار پول، نیازهای بخش واقعی اقتصاد را تأمین کنند. یکی از این ابزارها و روش‌ها تأمین مالی زنجیره‌ای است که باتوجه به شرایط اقتصادی کشور ما و چالش‌هایی که بانک‌های ما با آن درگیر هستند به شدت راهگشا خواهد بود؛ اما به شرط‌ها و شروطها. یکی از این ملاحظات و شروط این است که باید متوجه باشیم این ابزار برای همه فعالیت‌های اقتصادی مفید و اساساً کاربردی نیست. آیا هر تولیدکننده‌ای که صرف اینک در بخش واقعی



حمیدبنائیان

معاون سابق بانکداری الکترونیک بانک آینده
تأمین مالی زنجیره‌ای، مدل و ساختاری پذیرفته شده در دنیا است و از حدود ۳ دهه قبل در سطح گسترده استفاده می‌شود. این روش با بهره‌گیری از فناوری توانسته همان ساختار اعتباردهی و انتقال اعتبار را با بهای تمام شده کمتر و سادگی بیشتر زنده و کارا نگه دارد. ساختار بازار پول و فاصله‌ای که میان تأمین

متناسب رابطه مستقیمی با کارایی و اثربخشی هر ابزاری از جمله تأمین مالی زنجیره‌ای دارد. گسترش ابزارهایی مانند تأمین مالی زنجیره‌ای در کنار عوامل اقتصادی و مقررات، به انگیزه‌های روانی هم نیاز دارد. طی چند سال اخیر بخشی از

این انگیزه‌ها فراهم شده و تقریباً تمام بازیگران در تأمین مالی زنجیره‌ای در حال حاضر مایل به استفاده از این روش هستند؛ بانک‌ها

برای کم‌کردن فشار تسهیلات، فعالان بخش اقتصادی برای کاستن از فشار بازپرداخت تسهیلات دریافتی و نهادهای حاکمیتی نیز برای خنثی‌کردن اثرات تورمی ناترازی بانک‌ها، انگیزه لازم را برای استفاده از روش‌ها و ابزارهایی مانند SCF دارند. استفاده از این ابزارها نیازمند ایجاد آمادگی در سایر بخش‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری نیز هست. به‌عنوان مثال سرعت تطابق گر بانک‌ها با اقتضائات بازار و نیازهای کسب‌وکاری تناسب ندارد و همین عدم تناسب چالش‌های زیادی را به وجود می‌آورد و اصطلاحاً Time To Market را دچار اختلال می‌کند. علاوه بر این مسئله، مواردی مانند احراز هویت، اعتبارسنجی و... هم نیازمند هماهنگ‌شدن با نیازهای فنی و کسب‌وکاری محصولات اعتباری از جمله SCF است. اغلب این ابزارها در شبکه بانکی کشور وجود دارد و تنها باید به سمت جایگزینی رویکرد اعتباری به جای تسهیلات برویم.

اقتصاد فعالیت می‌کند، می‌تواند و باید از ابزاری مانند SCF استفاده کند و آیا این روش برای او مفید است؟ تجربه دنیا نشان می‌دهد که پاسخ این پرسش‌ها قطعاً منفی است. این ملاحظه درباره سایر بازیگران ابزاری مانند تأمین مالی زنجیره‌ای هم مهم

است؛ بنابراین در گام نخست باید تفکیک و دسته‌بندی درستی درباره بازیگران اتفاق بیفتد. به‌عبارت‌دیگر در گام نخست این تفکیک اول باید تضمین‌کنندگان مشخص

شوند و هر نهاد و بازیگری امکان و اجازه تضمین نداشته باشد. در گام بعدی ویژگی‌های حلقه‌های زنجیره باید تعریف شود و این فرض تصحیح و تدقیق شود که هر متقاضی تأمین مالی می‌تواند تقاضا و نیاز خود را وارد زنجیره کند و انتظار داشته باشد از این طریق تأمین مالی شود.

قوانین و ضوابطی که باید چارچوب تأمین مالی به‌صورت زنجیره‌ای را مشخص کنند، موضوع مهم دیگری است که باید به آن توجه کرد. مقررات

مقررات متناسب، رابطه مستقیمی با کارایی و اثربخشی هر ابزاری از جمله تأمین مالی زنجیره‌ای دارد



SCF

راه‌گزینی جز روش‌های تأمین مالی جدید نیست

تأمین‌چندان موردتوجه قرار نمی‌گیرد. روش دیگری که به روش شمول مالی مشهور شده، روشی است که در آن کیفیت و نحوه تأمین مالی موردتوجه است. فارغ از اینکه کدام یک از این دو روش را انتخاب کرده باشیم، هدف ما تأمین مالی در قالب یک نظام مالی است که بتواند آحاد متقاضیان را به شکلی مقرون‌به‌صرفه، کم‌هزینه، پایدار و به‌موقع تغذیه کند. یکی از اقتضائات تحقق این اهداف، بزرگ‌شدن ابعاد دایره تأمین مالی است؛ این رشد مستلزم خلق نهادهای جدید، روش‌های نوین و افزایش توان تسهیلات‌دهی نظام بانکی، عرضه اولیه



حمید آذرمند

مدیر سابق اداره تأمین مالی زنجیره‌ای تولید
بانک مرکزی

توسعه نظام مالی به روش‌های گوناگونی ممکن است؛ در روش‌های قدیمی‌تر به دنبال بسط بخش مالی به بخش واقعی اقتصاد می‌روند. در این روش چندان به اولویت‌ها توجه نمی‌شود و تمرکز بر تأمین مالی موردنیاز است و سایر پیامدهای این

از است. به عبارت دیگر تفاوت تأمین مالی زنجیره‌ای با روش‌های سنتی این است که متعاقب یک رویداد واقعی اتفاق می‌افتد یعنی اگر در روش‌های سنتی ابتدا یک سیستم اعتباری یک عملیات مالی رخ می‌دهد و بعد از آن فرایندی در بخش تولید و تجارت اتفاق می‌افتد، در روش‌های تأمین مالی زنجیره‌ای در تقدم و تأخر این اتفاق تفاوت وجود دارد. به این معنی که در ابتدا اتفاقی مانند صدور سیاهه و یا فرایندهای پیش از بارگیری و بعد از بارگیری و غیره اتفاق می‌افتد و متعاقب آن نظام اعتباری و یا ارائه‌دهنده خدمات تأمین مالی زنجیره‌ای خدمات خود را ارائه می‌کند. این برعکس بودن تقدم و تأخر در فرایندها شاید بزرگ‌ترین مزیت روش تأمین مالی زنجیره‌ای باشد.

انبساط بخش مالی تنها راه تأمین نیازهای مالی فعالان اقتصادی نیست

بیشتر در بازار سرمایه و... است. تا اینجا نکته خاصی وجود ندارد؛ ولی سؤال مهمی که باید به آن پاسخ داد این است که انبساط بخش مالی در اقتصاد تا کجا و چقدر می‌تواند و باید رخ دهد؟ این همان پرسشی است که در انتخاب روش‌های تأمین مالی در اقتصاد ایران، مغفول مانده است چرا که در آسیب‌شناسی‌های انجام‌گرفته به روشنی می‌بینیم که تأمین مالی در اقتصاد ایران تناسب لازم را با ابعاد بخش واقعی اقتصاد ندارد و از همین ناحیه آسیب‌های فراوانی به کشور تحمیل شده است؛ تا جایی که با قطعیت می‌توان گفت، منشأ تورم مزمن در اقتصاد ایران همین مسئله است؛ بنابراین می‌توان گفت راه‌حل مشکلات بخش واقعی اقتصاد ایران، انبساط نظام مالی نیست آن هم در شرایطی که به منابع برون‌زا مانند سرمایه‌گذاری خارجی دسترسی نداریم. از این‌رو تنها راه پیش‌رو افزایش بهره‌وری و کارایی روش‌های تأمین مالی است که به معنای ارتقای این شاخص‌ها در ابزارها و نهادهای مالی و همان نقطه تلاقی ما با SCF است. این همان نتیجه‌ای است که بررسی تجارب دنیا هم آن را نشان می‌دهد. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که چه نوع و چه ابزاری در قالب SCF این نیاز و هدف را برآورده می‌کند؟

تأمین مالی زنجیره‌ای به کارگیری روش‌ها و عملیات تأمین مالی و کاهش ریسکی است که در جهت بهینه‌سازی و مدیریت سرمایه در گردش شرکت‌ها و بنگاه‌ها و مدیریت نقدینگی که در جریان مالی شرکت‌ها وجود دارد این تعریف ساده‌ای





ارتباطات هوشمند تهر
مبنی بر فناوری اطلاعات بانک شهر
XINHUA BANK ICT HOLDING



دومین نشست کافه تیف، تیرماه

ارتقای سطح بلوغ امنیت اطلاعات در صنایع مالی از نظریه تا عمل

دبیر نشست:

امیر عامریان

معاون فناوری و نوآوری هلدینگ فناوری اطلاعات بانک شهر



وحید خدابخشی

مدیر ریسک و امنیت شرکت شاپرک



سید مهدی خرازی

دانشیار گروه علوم و مهندسی
کامپیوتر دانشکده صنعتی شریف



احسان کریعی اسکندری

کارشناس حوزه امنیت
و زیر ساخت فناوری اطلاعات



هاشم حبیبی

مدیرعامل
شرکت امن افزار گستر شریف

امنیت، ضمانت تداوم کسب‌وکار است

مهم رسیدن به این هدف نیز با مدل بلوغ‌سنجی قابل‌تعریف است. شاید تفکر قدیمی امنیت اطلاعات را محدودکننده تلقی کند؛ اما در واقعیت این‌چنین نیست. بلوغ یک مؤلفه اصلی دارد که آن هم هدف‌گذاری و راهبردی است که دنبال می‌شود. در واقع بلوغ یا سنجش بلوغ ابزاری است که می‌توان از طریق آن فاصله رسیدن به هدف مدنظر را اندازه‌گیری کرد از طرف دیگر وضعیت موجود را ارزیابی و مراحل رسیدن به هدف را پایه‌گذاری کرد. در واقع سه‌گام برای رسیدن به یک هدف با مدل بلوغ‌سنجی وجود دارد؛ یکی بحث احصای وضعیت فعلی است؛ یعنی باید دید که در لحظه در کدام نقطه قرار داریم



سید مهدی خرازی
دانشیار گروه علوم و مهندسی کامپیوتر
دانشکده صنعتی شریف

تضمین تداوم یک کسب‌وکار در معنای عام می‌تواند وظیفه اصلی امنیت اطلاعات باشد. به همین دلیل امنیت از نگاه من درهم‌تنیده با اهداف دیگر سازمان است. به عبارت دیگر باید ارتقای امنیت را یکی از نشانه‌ها و توجه به آن را از جمله شاخص‌های بلوغ سازمانی دانست. گام‌های



و می‌خواهیم به کجا برسیم. در این مسیر سنجش بلوغ اولین گام است. برای سنجش بلوغ باید دید که آیا راهبرد وجود دارد یا خیر.

طبیعتاً پیش‌نیاز همه فعالیت‌ها، دورنمایی خواهد بود که در یک سازمان، کشور یا هر مجموعه دیگری در نظر گرفته شده است. قرارگرفتن در یک مسیر درست نیازمند هدف‌گذاری بلندمدت راهبردی است. راهبرد نشان می‌دهد که قرار است به کجا برسیم. راهبرد با چشم‌انداز تعریف می‌شود یعنی می‌تواند چشم‌انداز یک

سازمان را در هر بعدی که بخواهیم

بلوغش را بسنجیم، نشان دهد. برای مثال اگر تصویر سازمان در آینده در حوزه امنیت اطلاعات ترسیم شده و جزئیات بیشتری در دسترس باشد. طبیعتاً راحت‌تر می‌توان وضعیت موجود را تا وضعیت مطلوب بررسی کرد. در این میان سنجش بلوغ و مدل‌ها آن برای از بین بردن این فاصله کمک می‌کند.

تعریف من از امنیت، ضمانت

تداوم کسب‌وکار است؛

به عبارت دیگر

تضمین تداوم یک

کسب‌وکار در معنای

عام می‌تواند وظیفه

اصلی امنیت اطلاعات باشد.

به همین دلیل امنیت از نگاه من

درهم‌تنیده با اهداف دیگر سازمان

است. اگر سازمانی محرمانگی را یک

موضوع پراهمیت می‌بیند و برای آن

برنامه‌ریزی می‌کند به آن دلیل است که هرگونه نقض این موضوع اهداف کلان سازمان را مورد هدف قرار می‌دهد و به آن آسیب می‌زند. در نتیجه سازمان‌ها در تلاش‌اند که زمینه‌های رسیدن به هدف کسب‌وکارشان را فراهم کنند. شاید تعریف قدیمی و سنتی و آن چیزی که در ذهن‌ها نقش بسته آن باشد که امنیت اطلاعات قرار است تا محدودیت‌هایی ایجاد کند؛

اما واقعیت این‌گونه

نیست. اتفاقاً در برخی

مواقع امنیت اطلاعات

می‌تواند پیش‌ران

برخی فعالیت‌ها و

خدمات باشد. به‌طور کلی

ابزارهای سنجش بلوغ

همه‌جا یکسان است و

تنها شاخص‌های کمی که

اندازه‌گیری می‌شود، متفاوت است.

امنیت

با اهداف دیگر سازمان

درهم‌تنیده است



امنیت باید به‌عنوان دارایی نامشهود کشورها و سازمان‌ها پاسداری شود

اما به‌عنوان نمونه در کشور خود ما این عدد زیر ۳ درصد است؛ یعنی کمتر از سه درصد جریان نقدینگی، شکل فیزیکی دارد و ۹۷ درصد دیگر در واقع صفر و یک است. باتوجه‌به این موضوع می‌توان گفت که چرا فضای دیجیتال دغدغه‌های مرتبط با امنیت را افزایش داده است.

به‌طورکلی در مورد هر دارایی دیجیتال سه دغدغه مهم وجود دارد؛ دغدغه محرمانگی، دغدغه یکپارچگی و صحت‌پذیری و دغدغه



احسان کریمی اسکندری

کارشناس حوزه امنیت و زیرساخت فناوری اطلاعات

در گذشته نه‌چندان دور درصد قابل‌توجهی از جریان نقدینگی پول رایج کشورها تحت نظارت بانک مرکزی آن‌ها قرار داشت؛

نشان داد وقتی برای یک بانک معظم اتفاقی رخ می‌دهد ضابطین خاص ورود کرده و به پخش نشدن ماجرا کمک می‌کنند که هم کمترین تأثیر اجتماعی را داشته باشد و هم به آبروی بخش اعتباری کشور خدشه‌ای وارد نشود و از طرفی دارایی نامشهود آن مؤسسه متأثر اتفاق رخ داده، نشود. این در حالی است که یک بانک اروپایی به محض اینکه متوجه می‌شود شائبه محاکمه‌شدنش در بانک‌های آمریکایی به‌خاطر اینکه تحریم‌های ظالمانه ایران را دور زده ممکن است به قطعیت بپیوندد، در عرصه نظام سرمایه‌داری بدون حمایت حکومت مضربی از میلیاردها دلار جریمه را می‌پذیرد فقط برای اینکه بیشتر از آن متضرر نشود. از این‌رو باید پرسید چرا امنیت با آن سه‌ضلعی که به آن اشاره شد به یک مزیت رقابتی بین سی و چند بانک کشور تبدیل نشده است؟

تدبیر در مواجهه با تهدیدات امنیتی نشان‌دهنده میزان بلوغ است

دسترس‌پذیری. بر همین اساس هم امنیت یعنی در هر کدام از این سه ضلع برای دارایی‌هایی که دیگری از جنس اسکناس و پول رایج نیستند و تنها صفر و یک‌هایی هستند که دائماً ارسال و دریافت می‌شوند در چه وضعیتی هستیم. اگر دغدغه‌ها درباره هر کدام از این سه ضلع برطرف نشود، پس حتماً امنیت در این سه مورد نیاز به بهبود دارد. این سه ضلع به‌صورت ذاتی غیرقابل‌حذف هستند. یک‌سری تهدیدات و ریسک‌هایی به طور منفی و مثبت وجود دارد. خردمندی در مواجهه با این

تهدیدات می‌تواند نشان دهنده میزان بلوغ باشد.

به‌محض تبدیل جریان نقدینگی یا پول رایج کشور به

صفر و یک تهدیدهای خاص آن سه پارامتر نمایان

می‌شود. مهم آن است که با این تهدیدها چگونه برخورد شود. باید دید که اگر زمانی به سال گذشته یا ۱۰ سال گذشته

نگاه کنیم زیرساخت‌های صنعت پول

که شامل سه ضلع است؛ یعنی خانواده بانک‌ها و مؤسسات مالی و

فناوران و شرکت‌های زیر مجموعه و خانواده بازار سرمایه توانسته‌اند

در آن سه پارامتر ذکر شده یعنی دسترس‌پذیری، محرمانگی، حفظ

صحت و یکپارچگی اطلاعات به آستانه مطلوب برسند یا خیر. با

نظر به اتفاقات گذشته که در حوزه سایبری رخ داده است می‌توان

یافت که آیا به نمره مطلوبی رسیده‌ایم یا خیر.

وضعیت کشور در اتفاقات گذشته





تبدیل امنیت به مقوله‌ای قابل ارزیابی و وظیفه حاکمیت است

مدیران ارشد کشور در سطح حاکمیت، دیدگاه ریسک محور دارند. میزان ریسک باعث می‌شود تا سقف هزینه‌کرد مشخص شود. ریسک باید به درستی اندازه‌گیری و محاسبه شود. به‌طورکلی روش‌های مختلفی برای محاسبه وجود دارد. بردارهایی که در هم ضرب می‌شوند نشان می‌دهد که یک احتمال و یک ارزش وجود دارد. ریسک احتمال وقوع یک تهدید است و وقتی از فضای احتمال صحبت می‌شود؛ یعنی درباره آینده صحبت می‌کنیم. بلوغ ضامن تداوم کسب‌وکار یک سازمان است. باین‌همه باید دید که چه چیزی برای یک مدیر ارشد مهم است؛ هر عاملی که



وحید خدابخشی

مدیر ریسک و نظارت شرکت شاپرک

ریسک و به‌تبع آن امنیت به سنجه احتیاج دارد چرا که لزوماً این‌گونه نیست که همیشه اتفاقی رخ دهد تا متوجه خطر امنیتی شویم. این در حالی است که به نظر من مدیران ارشد سازمان‌ها یا حتی



کسب‌وکار آن سازمان را به مخاطره بیندازد ریسک سازمانی است. میزان ارزشی که برای امنیت قائل می‌شوند نیز از همان ریسک می‌آید. امنیت تنها یک کار انجام می‌دهد؛ ریسک‌ها را از طریق تحت‌تأثیر قراردادن ارزش یا احتمال، کم می‌کند پس وقتی ریسکی وجود ندارد نباید هزینه‌ای برایش پرداخت شود.

از مواردی که باعث می‌شود نتوانیم به‌درستی ریسک‌ها را اندازه‌گیری کنیم، فضای پر تلاطم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. نمی‌توان کشور را در فضای در بسته نگه داریم و فقط داخل آن را ببینیم. خصوصاً اینکه کشور ما نسبت به جهان و کشورهای دیگر مخاطرات بیشتری دارد پس نمی‌توانیم شرایطش را مقایسه کنیم.

وقتی افراد در میزان درآمد در بورس یا سایر موارد رقابت می‌کنند به این دلیل است که این میزان کمی بوده و قابلیت مشاهده برای عموم مردم را دارد و می‌تواند برتری افراد را نشان دهد. باین‌همه امنیت در کشور ما هنوز رقابت‌پذیر نشده است؛ ولی ریسک و به‌تبع آن امنیت در کشور ما هنوز به مقوله‌ای کمی تبدیل نشده؛ بنابراین طبیعی است که امنیت به‌عنوان یک مزیت قابل‌رقابت و قابل امتیاز دادن در نظر گرفته نمی‌شود.

واقعیت این است که تبدیل امنیت به مقوله‌ای قابل‌ارزایی و وظیفه حاکمیت است و از این منظر انتقاداتی به مجموعه‌های حاکمیتی، نظارتی و رگولاتورهای سطح بالا وجود دارد. آنها می‌توانستند و باید با تعیین جرایم یا تشویق‌ها، سازمان‌ها را از لحاظ امنیت رتبه‌بندی کرده و در میان آنها رقابت ایجاد کنند.

باین‌حال

از نظر من ایجاد یک روش قابل‌اجرا برای اندازه‌گیری رقابت‌پذیری سازمان‌ها در حوزه امنیت باید بر عهده بخش خصوصی باشد و این‌گونه نیست که این موضوع تنها و تنها بر عهده نهادهای حاکمیتی باشد. به‌طورکلی همواره هر اتفاق خوبی که در تمام دنیا رخ داده از سمت بخش خصوصی بوده و نتیجه مطلوبی هم داشته است. حاکمیت همین که برای شرکت‌های خصوصی سنگ‌اندازی نکند، کمک شایانی کرده است. اگر بتوان برای سنجش میزان رقابت‌پذیری امنیتی سازمان‌ها و کسب‌وکارها روشی تدوین کرد، آن وقت می‌توان با این رقابت‌پذیری آنها را رتبه‌بندی کرد تا در پی این رتبه‌بندی، رقابت و انگیزه ایجاد شود.

حاکمیت باید با تعیین جرایم یا تشویق‌ها، سازمان‌ها را از لحاظ امنیت رتبه‌بندی و به رقابت تشویق کند



بازار امنیت سایبری در ایران کوچک است

شده تا قبح آن برای تمام ذی‌نفعان اعم از صاحبان کسب‌وکار، حاکمیت و حتی کاربرانی که اطلاعات یا دارایی‌هایشان در مخاطره قرار گرفته از بین برود و به تبع این کرختی، سازمان‌ها برای حفظ و ارتقای امنیت هزینه لازم را پرداخت نکنند. آن‌طور که فعالان حوزه فناوری معتقدند، امنیت اقبال چندانی در کشور ندارد و بازار بسیار کوچکی را به خودش اختصاص داده است.

بازار امنیت کشور به معنای نیاز و درخواست بسیار کوچک است. وقتی به شرکت‌های امنیتی داخل کشور نگاه کنید، مجموعه‌ای پیدا نمی‌شود که گردش مالی یا حتی نیروی



هاشم حبیبی
مدیرعامل شرکت امن افزار گستر شریف

تکرار و تداوم فاش‌شدن اطلاعات هویتی افراد طی سال‌های اخیر از طریق مختلف و عدم برخورد متناسب با مقصران و قاصران این رخدادها سبب

ندارد و درصد خیلی بالایی از نگاه امنیت بانک‌ها معطوف به آن است که نفوذ و آسیب‌پذیری نداشته باشند.

از سوی دیگر باید توجه داشت نگاه به امنیت در ایران و خارج ایران متفاوت است؛ در ایران به دلیل آن که اطلاعات افراد از طریق مختلف فاش شده است می‌توانید

با در دست داشتن شماره موبایل، اسم و کد ملی، اطلاعات دیگر اشخاص را در اینترنت پیدا کنید و این نشان‌دهنده بد بودن اوضاع است. به همین دلیل باید دید که

برای بانک یا هر سازمان دیگری اطلاعات مهم است یا پول. باین‌همه در بانک‌ها پول حساسیت بالایی دارد. برای مثال بانک‌ها روی نرم‌افزار اینترنت بانکی‌شان بسیار حساس‌اند چرا که کاربران از آن طریق پول جابه‌جا می‌کنند و اگر این نرم‌افزار نقطه‌ضعفی داشته باشد بانک باید این ضرر را خودش جبران کند. در نتیجه بانک در این قسمت که برایش بسیار مهم است، هزینه می‌کند.

انسانی زیادی داشته باشد. بزرگ‌ترین شرکت‌های امنیتی زیر ۵۰۰ نفر نیرو دارند. این در حالی است که کوچک‌ترین شرکت‌های در حوزه‌هایی مانند انرژی یا صنعتی، بیش از هزار نیرو انسانی در اختیار دارند. نیروی انسانی نشان‌دهنده نیاز بازار است و در واقع گردش مالی ایجاد می‌کند. در

حوزه امنیت بانک نیز همین موارد مطرح است. به‌طور کلی دو نوع اطلاعات در بانک‌ها وجود دارد؛ یکی اطلاعات

مالی نظیر جابه‌جایی پول و دیگر اطلاعات هویتی نظیر کد ملی،

آدرس محل سکونت، شماره حساب و این دست از اطلاعات. حال این سؤال پیش می‌آید که در حوزه بانکی، پول مهم‌تر است یا اطلاعات هویتی افراد؟

باید ببینیم که ارشد هر سازمان می‌تواند بلوغ را کم‌وزیاد کند باین‌همه درباره بلوغ امنیت باید از رئیس بانک یا رئیس یک سازمان پرسید که آیا امنیت برایش مهم است یا خیر؟ بالاترین رکن یک مجموعه باید بگوید که به چه چیزی نیاز دارد و چه هدفی را دنبال می‌کند؟

پاسخ این پرسش‌ها از آن‌رو مهم است که در واقع مدیر ارشد یا مدیران یک سازمان می‌توانند بلوغ را کم‌وزیاد کنند. یکی از مشکلات بزرگ ما این است که از نظر بانک‌ها در مقوله امنیت، حوزه زیرساخت، حوزه نرم‌افزار و نیروی انسانی چندان اهمیت

از نظر بانک‌های ایرانی در مقوله امنیت، حوزه زیرساخت، حوزه نرم‌افزار و نیروی انسانی چندان اهمیت ندارد





زنگنه هولدینگ
مادیرگی: ناساریق ایلانات بانک شومور
ZHONGYUAN BANK HOLDING



سومین نشست کافه تیف، مردادماه

بازشناسی پدیده‌ای به نام نئوبانک ایرانی اکوسیستم فناوری و نوآوری باها و اگرهای رگولاتور چه می‌کند؟

دبیر نشست:

الهام مقدم

معاون برنامه ریزی و توسعه کسب و کار
هلدینگ فناوری اطلاعات بانک شهر



بهزاد صفری

معاون فناوری اطلاعات
بانک سپه



فرهاد اینانلوئی

معاون اسبق فناوری اطلاعات
بانک ایران زمین



هیثم نعازی

مدیرعامل شرکت توسعه و نوآوری شهر



مصطفی امیری

مدیرعامل شرکت زرین پال



مفهوم نئوبانک در کشور ما ایرانیزه شده است

نئوبانک ایجاد کند. به همین خاطر معتقدم ما به تعریف مشترکی از نئوبانک‌ها در ایران نرسیده‌ایم. در دنیا مدل ارزش‌گذاری نئوبانک‌ها با بانک‌ها متفاوت است و مشابه شرکت‌های مخابراتی بر اساس تعداد مشتریان و کاربرانشان ارزش‌گذاری می‌شوند. در بانک اما ارزش‌گذاری به سرمایه پایه، تعداد کارمندان، تعداد شعب و منابع وابسته است؛ ولی مدل ارزش‌گذاری در نئوبانک‌ها به تعداد کاربران بستگی دارد که از هر مشتری به چه میزان درآمد خلق می‌شود. بنا بر آنچه اکنون رایج است نئوبانک‌ها را به ازای هر یک میلیون مشتری حدوداً ۵۰۰ میلیون دلار قیمت‌گذاری می‌کنند یعنی ۱۰



فرهاد اینالویی
صاحب‌نظر حوزه بانکداری دیجیتال

مفهوم امروزی نئوبانک در ایران مفهومی ساختگی و ایرانیزه شده است. در واقع بانک می‌تواند زیرساخت بانکداری دیجیتال داشته باشد، زیرساخت آن را ایجاد کرده و سرویس‌ها را در پلتفرم‌های باز قرار بدهد اما نه به این شکل که هر بانکی بخواهد برای خود

زیر میز و اعتراض به این مسائل بود. هفت، هشت سال طول کشیده است تا جهان به استاندارد در حوزه بانکداری باز در این باره رسیده است. اما ما همچنان در مفهوم بانکداری دیجیتال و نئوبانک خودمان مانده‌ایم.

یکی از دلایل این شرایط این است که بانک مرکزی به قدری در اجرا دخیل است که نمی‌تواند به نظارت برسد و حالا در بهترین حالت محدود به دادن مجوز درگاه IPG به فین‌تک‌ها شده است. کسب‌وکارهایی مانند لندتک‌ها هم تعیین تکلیف نمی‌شوند. نئوبانک که جای خود دارد. کار رگولاتوری بالانس کردن است. اگر جلوی نوآوری گرفته شود در جای دیگری خود را بروز می‌دهد. کار رگولاتور نه سخت‌گیری بیش از حد و نه رهاکردن مسئله است که اجحافی در حق مشتری رخ ندهد. اگر بخواهم پیشنهادی به بانک مرکزی و بانک‌ها بدهم این است که بانک‌ها در کسب‌وکار وارد نشوند و در زیرساخت و پلتفرم باقی بمانند.

میلیون مشتری، پنج میلیارد دلار ارزش در نئوبانک ایجاد می‌کند.

در دنیا اصلاً چنین چیزی مرسوم نیست که هر بانک یک نئوبانک ایجاد کند، در واقع بانک باید فقط سرویس ایجاد کند، بانک تولید انبوه (mass production) است.

این استارت‌آپ و فین‌تک است که باید برای بازارهای خاص مثل دانش‌آموزان، خانه‌دارها

و امثال اینها

محصول

سازد. بانک

می‌تواند به

اینها زیرساخت

بدهد. اینها را

بر اساس مطالعات

گذشته‌ام درباره نئوبانک‌ها

می‌گویم برای مثال «فراز» یک

موبایل بانک است که خدمات غیرحضوری می‌دهد نه لزوماً یک نئوبانک.

کلمه دیجیتال در بانکداری دیجیتال به معنی فناوری اطلاعات نیست، بلکه

این است که بانک بتواند به کسب‌وکار دیجیتالی سرویس بدهد. کلاً بانک‌های

ما ۱۲۰ سرویس ارائه داده‌اند؛ اما در جهان

بالای ۵۰۰ سرویس ارائه شده

است. ابهامات در

ارائه خدمات در

سیستم بانکی

در تمام دنیا

زیاد است؛ اما

در اینجا تعامل

هم به خوبی

وجود ندارد.

اصلاً بحث

بلاک‌چین و

رمزارز در جهان

به‌نوعی زدن

**کلمه دیجیتال در بانکداری دیجیتال
به معنی فناوری اطلاعات نیست،
بلکه ارائه سرویس دیجیتالی
به کسب‌وکارها است**





بیگ دیتا در نئوبانک حرف اصلی را می‌زند

را هدف قرار می‌دهد، بحث بعد شرکای استراتژی بانک‌هاست. در حقیقت یک سری پلتفرم‌های مشترک بین بانک‌ها و شرکای استراتژی شده ایجاد می‌شود. مثل حوزه سلامت، صنعت و غیره.

به عبارت دیگر بیگ دیتا یا کلان داده‌ها، نقشی اساسی و تحول‌آفرین در رشد و موفقیت نئوبانک‌ها ایفا می‌کند. با جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر حجم عظیمی از داده‌ها، نئوبانک‌ها می‌توانند به بینش‌های ارزشمندی دست یابند که منجر به بهبود خدمات، افزایش رضایت مشتری و در نهایت رشد کسب‌وکار می‌شود.



میثم نمازی
مدیرعامل شرکت توسعه و نوآوری شهر

تعاریف زیادی در ارتباط با نئوبانک وجود دارد اما فارغ از این تعاریف، در نئوبانک‌ها بیگ دیتا و تحلیل داده حرف اساسی را می‌زند و در این بانک‌ها نوع سرویس‌ها باید شخصی‌سازی و بومی شده باشد و هر نئوبانک بخش و بازار هدف خاصی



بیگ دیتا کمک می‌کند درک عمیقی از رفتار مشتری در نئوبانک ایجاد شود و با تحلیل داده‌های رفتاری مشتریان، بتواند محصولات و خدماتی را ارائه دهد که دقیقاً با نیازها و ترجیحات هر مشتری مطابقت دارد. همچنین با تحلیل داده‌های گذشته، نئوبانک‌ها می‌توانند نیازهای آینده مشتریان را پیش‌بینی کرده و به صورت پیش‌گیرانه به آن‌ها خدمات ارائه دهند. علاوه بر این با شناسایی مشتریانی که احتمال ترک خدمات وجود دارد، نئوبانک‌ها می‌توانند اقدامات لازم برای حفظ آن‌ها را انجام دهند.

بهبود تجربه کاربری یکی دیگر از کاربردهای بیگ دیتا در نئوبانک‌ها است؛ طراحی رابط کاربری مناسب، کاهش خطاهای سیستم، کاهش ریسک و بهبود مدیریت ریسک، بهبود تصمیم‌گیری راهبردی، شناسایی فرصت‌های جدید و بهینه‌سازی هزینه‌ها در این راستا اتفاق می‌افتد.

از کنار هم قرارگرفتن این موارد نئوبانک‌ها به نقطه و استعداد توسعه محصولات و خدمات نوآورانه دست پیدا خواهند کرد و قادر خواهند بود با استفاده از داده‌های مشتریان، محصولات

مالی جدیدی را طراحی کنند که به طور خاص برای نیازهای یک گروه خاص از مشتریان طراحی شده است.

با وجود این مزایا و زیرساخت‌ها ما خودمان دو سال درگیر رگولاتور، دریافت مجوز و شناسایی بازار هدف بودیم اما حالا شرایطی شده که خیلی وقت بانک‌ها صرفاً از روی یکدیگر تقلید می‌کنند. در صورتی که نئوبانک باید نسبت به فرایندهای سنتی چابک باشد. نکته حائز اهمیت دیگر اینجاست که

بانک مرکزی بعد نظارت را فراموش کرده و گویا خواسته ریسک بانک‌ها را خودش پوشش دهد. بلکه باید دست بانک‌ها را باز بگذارد که تنوع سرویس و تنوع درآمد ایجاد کنند. با وجود همه این انتقادات به رگولاتور اما حساسیت‌های بانک مرکزی قابل توجه است و باید از هر دو طرف به مسئله نگاه کرد و بدیهی است که رگولاتور از کسب‌وکارها عقب‌تر باشد.

شاید یکی از کارهایی که جای آن در اکوسیستم برای درک بهتر دغدغه‌های رگولاتورها و انتقال شفاف مطالبات بازیگران خالی است نزدیک‌شدن بازیگران اکوسیستم و تشکیل انجمن‌های تخصصی است باید هر کدام در جای خود پیگیر مسائل باشیم، ناامید نشویم و کم‌کم راه را همواره کنیم همین حالا اتفاقات مثبتی که رخ داده است نتیجه سال‌ها پیگیری و ممارست است.

نئوبانک‌ها می‌توانند با جمع‌آوری و تحلیل حجم عظیمی از داده‌ها به بینش‌های ارزشمندی درباره مشتریان دست یابند



تعریف واحدی از نئوبانک وجود ندارد

آن را درک کرد. برخی می‌گویند نئوبانک یک بانک بدون شعبه است. در صورتی که ما در بانک سپه سه هزار شعبه داریم و در بهترین حالت ممکن است سوپراپلیکیشنی باشیم که یک سری خدمات را در بستر تلفن همراه یا سایر مدیاها ارائه بدهد.

سؤال مهم این است که همه بانک‌ها باید نئوبانک داشته باشند؟ پاسخ قطعاً منفی است؛ ولی گویا نئوبانک به مفهومی وارداتی تبدیل شده است. در وهله بعد اگر بر اساس قوانین و مقررات بانک مرکزی در نظر بگیریم و اگر ذاتاً نئوبانک مستقل از بانک باشد، اصلاً امکان راه‌اندازی



بهزاد صفری

معاون فناوری اطلاعات بانک سپه

اخیراً مدیر یکی از نئوبانک‌های مطرح ایران نکته درستی را عنوان کرد که حتی در ادبیات جهانی هم اصراری به مستقل بودن نئوبانک‌ها نیست. نئوبانک‌های وابسته به بانک هم وجود دارند؛ اما باید اول مفاهیم

در عملکرد آنها لحاظ کردیم. ضمن اینکه روی حساب‌های قرض‌الحسنه متمرکز کرده‌ایم. ما بانک‌ها هم دوست داریم سرویس اضافه کنیم؛ اما محدودیت‌های بانک مرکزی کار را سخت کرده است. باید به سمت مجوزهای محدود برویم. نمونه این مسئله در چین علی‌بابا و ویچت است که مجوزهای محدود بانکداری دارند؛ اما حالا نوآوری محدود به UI و UX و ظاهر اپ‌ها شده است.

باین حال باور دارم نباید ناامید شد و باید با تأمل و صبوری کم‌کم مرزها را جابه‌جا کنیم. رگولاتور هم محدودیت‌های خود را دارد و درخواست مجوز بانکداری محدود یکی از راهکارهاست. کرنا امکان احراز هویت، افتتاح حساب غیرحضوری را امکان‌پذیر کرد و من به دولت جدید هم امیدوارم که فتح بابی در مسائل بانکی کشور صورت بگیرد.

نئوبانک وجود ندارد و فرضیه‌های جهانی در ارتباط با نئوبانک‌ها در ایران صادق نیست. برای مثال سامانه سیاح اجازه نمی‌دهد نئوبانک‌ها حساب‌جاری برای مشتریان‌شان باز کنند و کاربران نئوبانک نمی‌توانند از خدمات حساب‌جاری استفاده کنند.

با تأکید روی نبودن تعریف مشترکی از نئوبانک ادامه داد: «شاید واژه‌سازی تلقی شود؛ اما نئوبانک‌های

ما هم مخصوص به خودمان شده‌اند، هر اپلیکیشنی برای خود یک نئوبانک شده است.

بانک مرکزی به جای اینکه فین‌تک‌ها را رگوله کرده و

ارزیابی کند مسئولیت صفر تا صد را به عهده بانک گذاشته است. ماهیت

بانک ریسک‌گریز است، در ایران هم بدتر و همین عوامل باعث شده فین‌تک‌ها دائماً ضعیف‌تر شوند. فضا به سمتی رفته است که بانک‌ها از فین‌تک‌ها می‌خواهند که برایشان بازاریابی کنند.

برای روشن‌تر شدن منظورم به تجربه بانک سپه اشاره می‌کنم؛ ما به دنبال حذف شعب نبودیم و به دنبال اجرائی کردن مفهوم فیجیتال هستیم. نقش شعب را در بانکداری دیجیتال جدی گرفتیم تا خود شعب مروج این موضوع نزد مشتریان باشند. وقتی مشتریان آنلاین حساب باز می‌کنند گزینه‌ای برای انتخاب شعب دارند تا کارانه و مزایای مالی و غیرمالی به شعبه مربوطه برسد. ما عاملیت را به شعب دادیم و

نئوبانک به مفهومی وارداتی و موضوعی برای رقابت بانک‌ها تبدیل شده است





نیاز متقابل کسب‌وکارها و نئوبانک‌ها

مالی‌شان هستند. باید بانک‌ها با قراردادن راه‌های جدید مشتریان بیشتری جذب کنند. گرچه در ایران رگولاتور با هر نوآوری مبارزه می‌کند. اما کسب‌وکارها منتظر نمی‌مانند و راهشان را پیدا می‌کنند. بدیهی است اگر میدان بازی به درستی ساخته نشود، بازیگران بازی را که کنار نمی‌گذارند، زمین دیگری برای بازی انتخاب می‌کنند. چه بهتر است که خود بانک مرکزی در این زمینه تسهیلگر باشد تا بازی در قواعد درست و نظارت صحیح رخ بدهد. کسب‌وکار دنبال ستل کردن است خب settlement و تسویه کجا اتفاق بیفتد؟ کسب‌وکارها نیاز به ابزار جدید برای این کار



مصطفی امیری
مدیرعامل شرکت زرین پال

در پاسخ به دبیر نشست درباره نیاز کسب‌وکارها به نئوبانک گفت: انسان‌ها همیشه به دنبال نوآوری هستند و از موضوعات تازه استقبال می‌کنند، کسب‌وکارها هم همین‌طور هستند و بنا به نیازهای خود، مطالبه‌گر تسهیل در امور



دارند آیا رگولاتور ظرفیت ایجاد ابزار جدید را دارد؟ کاری برای آن کرده است؟

هم در پاسخ به سؤال اینکه چه عواملی باعث می‌شود فین‌تک‌ها به سمت انتخاب یک بانک بروند گفت: «تا کنون ۶۵۰ هزار کسب‌وکار با ما کار کرده‌اند که ۳۵۰ هزار کسب‌وکار الان فعال هستند و تعداد زیادی از آنها اینماد بی‌ستاره دارند و گردش آنها زیر ۱۰۰ میلیون و به‌تازگی زیر ۲۰۰ میلیون اعلام شده است. بانک باید یک قدم عقب‌تر باشد و مانع‌تراشی نکند و نهاد ناظر باشد.»

«پیشنهاد من این است که از تجربه

موفق و مسیر همسایه‌هایمان استفاده کنیم وگرنه جا می‌مانیم. اگر در سند ۱۴۰۴ برنامه‌ها و شاخص‌هایی تعیین کرده‌ایم باید بدانیم این شاخص‌ها را آدم‌ها مشخص می‌کنند. غایب بزرگ این جلسات بانک مرکزی است و غایب بزرگ در جلسات بانک مرکزی ما کسب‌وکارها هستیم. بازی این است که به سمت PS۲ یا ۳ حرکت کنیم.

اگر وارد بازی نشویم بازی نوآوری جای دیگری شکل می‌گیرد. ما باید زمین بازی را خودمان درست کنیم که از همه ابعاد آن خودمان سود ببریم.

اما در واقع اگر نخواهیم روش بازی را عوض کنیم مسلماً بازی و میدان بازی را از دست خواهیم داد.»

نئوبانک‌ها در ایران با وجود پتانسیل‌های بسیار، با چالش‌های متعددی روبرو هستند که مانع رشد سریع و گسترده آن‌ها می‌شود.

مهم‌ترین این چالش‌ها، چالش‌های قانونی و نظارتی است؛ نبود قوانین مشخص و جامع برای نئوبانک‌ها، باعث ایجاد ابهام در حوزه فعالیت آن‌ها و همچنین افزایش ریسک سرمایه‌گذاری می‌شود. از سوی دیگر برخی از مقررات بانکی موجود، با ماهیت نوآورانه نئوبانک‌ها سازگاری ندارد و باعث کندشدن روند ارائه خدمات می‌شود. به این

موارد باید نظارت

سخت‌گیرانه را نیز

اضافه کرد. نهادهای

نظارتی در ایران

اغلب با دیده‌شک به

نئوبانک‌ها نگاه می‌کنند

و فرایندهای اخذ مجوز و

نظارت بر آن‌ها را پیچیده و

**عدم شفافیت در مقررات،
بزرگ‌ترین چالش نئوبانک‌ها
در ایران است**

زمان‌بر می‌سازند.

علاوه بر این‌ها زیرساخت‌های پرداخت

الکترونیکی در ایران اگرچه در سال‌های

اخیر بهبود یافته است، اما هنوز هم با

استانداردهای جهانی فاصله دارد و پاسخگوی

نیازهای روبه‌رشد نئوبانک‌ها نیست.



انجمنات هوشمند شهر
مادرنی، فناوری اطلاعات بانک شهر
SHAH BANK ICT HOLDING



چهارمین نشست کافه تیف، شهریورماه

بایدها و نبایدهای پرداخت خرد در روند هوشمندسازی شهری

دبیر نشست:

کیوان زند میرالوند

معاون فنی شرکت راهبرد هوشمند شهر



حسام مقصودلو

عضو هیات مدیره هلدینگ فناوری
و نوآوری بانک تجارت (تفتا)



حمید کردیچه

مدیرعامل شرکت فناوری
اطلاعات بانک مسکن (ناواکو)



سعید فردانی

مدیرعامل سازمان فاوای
شهرداری اصفهان



هادی ابراهیمی

مدیرعامل شرکت راهبرد
هوشمند شهر



فناوری‌های مالی به بومی‌سازی خدمات نوین کمک می‌کنند

کارآمدتر کنند. در همین سال، سرمایه‌گذاری‌های سنگینی در حوزه فناوری اطلاعات بانکی صورت گرفت که نتایج قابل‌توجهی به همراه داشت. در ایران هم بحث استفاده از بلاک‌چین و فناوری‌های مشابه مطرح است؛ یکی از حوزه‌هایی که می‌تواند از این فناوری بهره‌برداری کند، پرداخت‌های خرد است. طبق آمار، حدود ۶۰ درصد از کل پرداخت‌ها را پرداخت‌های خرد تشکیل می‌دهد. این پرداخت‌ها شامل تراکنش‌هایی می‌شود که نیازهای روزمره شهروندان را پوشش می‌دهند، مانند پرداخت قبوض یا خرید بلیت‌های حمل‌ونقل عمومی. از آنجاکه حجم بالایی از تراکنش‌های خرد از طریق سیستم‌های پرداخت الکترونیکی انجام می‌شود، این بخش می‌تواند بستری مناسب برای پذیرش فناوری‌های جدید مانند بلاک‌چین باشد.



حمید کردبچه
مدیرعامل شرکت ناوکو

واقعیت این است که بلاک‌چین می‌تواند همان‌گونه که اینترنت رسانه‌ها و ارتباطات را دگرگون کرد، انقلابی بزرگ در صنعت مالی ایجاد می‌کند و به همین خاطر هم بسیاری از بانک‌های بزرگ جهان مانند جی‌پی مورگان، از سال ۲۰۱۸ سرمایه‌گذاری‌های کلانی در این حوزه انجام داده‌اند. این بانک‌ها با پیاده‌سازی زیرساخت‌های بلاک‌چینی، تلاش کرده‌اند فرایندهای مالی خود را سریع‌تر، امن‌تر و

در سطح بین‌المللی، بسیاری از بانک‌ها و مؤسسات مالی با موفقیت از فناوری‌های نوین استفاده کرده‌اند. به‌عنوان مثال، برخی بانک‌ها شعبه‌هایی در بیش از ۶۴ کشور دنیا دارند و توانسته‌اند سرویس‌های مشابهی را در تمامی این کشورها ارائه دهند. این تجربه نشان می‌دهد که با استفاده از ظرفیت‌های فناوری، می‌توان فرایندها را بومی‌سازی کرد و به نیازهای محلی پاسخ داد.

یکی از مهم‌ترین مباحث در این حوزه، آموزش و توانمندسازی نیروی انسانی است. فناوری‌های مالی و بانکی به طور مداوم در حال تغییر و تحول‌اند، بنابراین لازم است که افراد شاغل در این حوزه به‌روز باشند و بتوانند از فناوری‌های جدید بهره بگیرند. به‌علاوه، تنظیم‌گری‌های مالی نیز باید با سرعت تحولات همگام باشد و قوانین و چارچوب‌های جدیدی وضع کند تا بتواند از بروز مشکلات و چالش‌های آتی جلوگیری کند.

در پرداخت‌های خرد، تمرکز اصلی بر فرد و سبک زندگی او است. تراکنش‌های مالی روزمره، به شکل‌گیری پروفایل‌های اقتصادی و رفتارهای مالی کاربران کمک می‌کند. این داده‌ها اهمیت زیادی دارند و حفاظت از آن‌ها نیازمند قوانین و چارچوب‌های امنیتی قوی است. یکی از مزیت‌های بلاک‌چین در این حوزه، ساختار غیرمتمرکز آن است که می‌تواند امنیت و حریم خصوصی داده‌ها را تضمین کند. با این حال، باید توجه داشت که استفاده از این

فناوری در ایران نیازمند وضع قوانین و تنظیم‌گری‌های دقیق است تا بتواند با قوانین اجتماعی و حقوقی کشور هم‌خوانی داشته باشد.

فناوری‌های جدید مانند

بلاک‌چین نه تنها می‌توانند فرایندهای

مالی را تسهیل کنند؛ بلکه بستری برای

ارتباطات و تعاملات بین‌المللی نیز فراهم می‌آورند. با ورود به شبکه‌های غیرمتمرکز، مرزهای جغرافیایی از بین می‌روند و امکان همکاری با جوامع و کشورهای دیگر فراهم می‌شود. این مسئله نیازمند تنظیم‌گری‌های دقیق و شفاف در حوزه‌های

مدنی و اقتصادی است تا بتوان از فرصت‌های

جدید به بهترین شکل استفاده کرد. یکی از چالش‌های بزرگ در پذیرش و اجرای فناوری‌های جدید، همگامی سیستم‌های مالی و تنظیم‌گری با سرعت تحولات فناوری است. نظام تنظیم‌گری فعلی که عموماً به صورت منفعل عمل می‌کند، نیاز به تغییر و تحول دارد. برای بهره‌برداری از فناوری‌های تحول‌آفرین، نیازمند یک رویکرد فعال و پیشگیرانه هستیم. تنظیم‌گری پرو اکتیو (فعالانه) به جای تنظیم‌گری پس از وقوع مشکلات، می‌تواند پیش از ایجاد بحران‌ها، به بهبود شرایط کمک کند و از بروز چالش‌های بزرگ جلوگیری کند.

فناوری‌های جدید مانند بلاک‌چین بستر لازم را برای ارتباطات و تعاملات بین‌المللی فراهم می‌آورند





یکپارچگی داده‌ها؛ بخش مغفول هوشمندسازی خدمات در ایران

آن‌ها به‌درستی استفاده کرد. یکی از چالش‌های اصلی که در بسیاری از کشورها از جمله ایران مشاهده می‌شود، نبود یک سیستم یکپارچه و دینامیک برای مدیریت داده‌های پایه است. به‌عنوان مثال، در ایران اطلاعاتی نظیر محل سکونت افراد به‌طور دقیق و هماهنگ بین ارگان‌ها ثبت نمی‌شود. این عدم یکپارچگی داده‌ای نه‌تنها در بخش‌های دولتی بلکه در حوزه خدمات شهری و عمومی نیز به‌شدت مشهود است.

ارگان‌های مختلف مانند ثبت‌احوال، شهرداری‌ها، و شرکت‌های خدماتی آب، برق و گاز هرکدام داده‌های خاص خود را جمع‌آوری می‌کنند؛ اما هماهنگی و هم‌افزایی بین این سیستم‌ها وجود ندارد. این مسئله به‌نبود قوانین و مقررات کافی برای الزام افراد به ثبت و به‌روزرسانی اطلاعاتشان بازمی‌گردد. برای مثال،



حسام مقصودلو

عضو سابق هیات‌مدیره هلدینگ فناوری اطلاعات و نوآوری
بانک تجارت

طی دو دهه گذشته و به‌ویژه ده سال اخیر کاملاً روشن شده که فقدان هماهنگی در داده‌ها و سیستم‌های پرداخت خرد از مشکلات کلیدی در ایران است. این خلأ در بسیاری از حوزه‌ها و بخش‌ها اعم از بانکداری، فین‌تک و خدمات حاکمیتی وجود دارد.

در بحث هوشمندسازی و داده‌محوری، موضوع اصلی این است که داده‌های مردمی چه ارزشی دارند و چگونه می‌توان از

کنند. از سوی دیگر، وقتی صحبت از پرداخت‌های خرد و سیستم‌های تراکنشی می‌شود، می‌بینیم که رویکردهای مختلفی در سراسر جهان اتخاذ شده است؛ در کشورهایی مانند آلمان و هلند، تنها درصد کمی از مردم نیاز به انجام تراکنش‌های روزانه دارند زیرا بسیاری از افراد

از بلیت‌های سالانه یا

سیستم‌های پیش‌پرداخت

استفاده می‌کنند. این نوع

از سیستم‌های پرداخت،

نه تنها فرایند پرداخت را

ساده‌تر می‌کنند بلکه بار کاری

شبکه‌های بانکی را کاهش داده

و از پیچیدگی‌های اضافی جلوگیری

می‌کنند. در ایران اما همچنان بسیاری از

سیستم‌ها بر اساس تراکنش‌های روزانه و خرد

عمل می‌کنند. به‌عنوان مثال، در متروی تهران

هر روز هزاران تراکنش پرداخت خرد انجام

می‌شود که فشار زیادی بر روی زیرساخت‌های

شبکه بانکی وارد می‌کند. این در حالی است که

می‌توان با راه‌اندازی بلیت‌های سالانه یا ماهانه

و استفاده از فناوری‌هایی مانند QR کدها، این

فرایندها را ساده‌تر و کارآمدتر کرد.

واقعیت این است که بسیاری از سازمان‌ها،

به‌جای اینکه به وظایف ذاتی خود مانند

مدیریت داده‌ها و زیرساخت‌های شهری

بپردازند، به کارهایی مشغول شده‌اند که خارج

از حوزه مسئولیت‌های اصلی آن‌هاست. برای

مثال، برخی از شهرداری‌ها به‌جای تمرکز بر

بهبود زیرساخت‌های شهری و مدیریت بهینه

داده‌ها، به دنبال پروژه‌های جانبی مانند فروش

خدمات غیرمرتبط می‌روند. این در حالی است

که وظیفه اصلی شهرداری‌ها فراهم کردن

زیرساخت‌های مناسب برای شهروندان است

تا بتوانند خدمات شهری را به طور مؤثر و

کارآمد دریافت کنند.

در کشورهایی که سیستم‌های داده‌محور پیشرفته‌تری دارند، افراد مجبورند که آخرین محل سکونت خود را در سیستم‌های رسمی ثبت کنند؛ اما در ایران چنین اجباری وجود ندارد و هیچ هزینه‌ای برای افراد در صورت عدم اعلام محل سکونت واقعی‌شان مترتب نیست.

یکی دیگر از

مشکلات بزرگ

در ایران، عدم

توانایی ارگان‌ها

در اجرای جریمه‌ها

و محدودیت‌های

قانونی بر اساس کد ملی یا

دیگر اطلاعات پایه‌ای است. برای

مثال، اگر قبض آب یا برق فردی صادر

شود که مالک اصلی آن ملک نیست، ارگان‌های

مربوط نمی‌توانند اقدامات قانونی مؤثری انجام

دهند؛ زیرا به طور دقیق نمی‌دانند با چه کسی

طرف هستند. این وضعیت، ناشی از ضعف‌های

قانونی و فقدان یکپارچگی در داده‌های پایه‌ای

است که می‌توانند به‌عنوان ستون‌های اساسی

سیستم‌های هوشمند و داده‌محور عمل

**یکی از مشکلات بزرگ در ایران،
عدم توانایی ارگان‌ها در اجرای
جریمه‌ها و محدودیت‌های
قانونی است**





فعالان حوزه پرداخت به مقوله شهر هوشمند ورود جدی نگرده‌اند

در حوزه فین‌تک و پرداخت نیز با چالش‌های مشابهی روبرو هستند؛ چرا که نگاه آن‌ها به موضوع هوشمندسازی عمدتاً از زاویه تراکنش‌ها و پرداخت‌های خرد است و توانایی درک کامل نیازهای کاربران نهایی، مانند شهرداری‌ها و شهروندان، را ندارند.

یکی از مشکلات اصلی این است که شرکت‌های پرداخت الکترونیکی، با وجود اینکه سال‌ها در این حوزه فعالیت می‌کنند، همچنان به‌عنوان ارائه‌دهندگان خدمات پرداخت خرد عمل می‌کنند و دیدگاه جامع‌تری نسبت به مسائل کلان مانند هوشمندسازی شهرها ندارند. این شرکت‌ها اغلب بر مبنای شاخص‌های مالی؛ مانند تعداد تراکنش‌ها، مبلغ تراکنش‌ها و بهره‌وری دستگاه‌های پوز (کارت‌خوان‌ها) فعالیت می‌کنند و به جنبه‌های دیگر هوشمندسازی



هادی ابراهیمی
مدیرعامل شرکت راهبرد هوشمند شهر

در سال‌های اخیر، بحث هوشمندسازی در فضاهای شهری و پرداخت الکترونیک به‌شدت مطرح است. بسیاری از سازمان‌ها به‌ویژه شهرداری‌ها به دنبال اجرای پروژه‌های هوشمندسازی هستند، اما مشکل اصلی این است که این سازمان‌ها هنوز به‌طور دقیق نمی‌دانند چه خدماتی باید ارائه دهند و چه زیرساخت‌هایی برای این هدف لازم است. علاوه بر این، شرکت‌های فعال



مانند ایجاد زیرساخت‌های یکپارچه برای خدمات شهری، توجه چندانی ندارند. واقعیت این است که در ایران، شبکه‌های پرداخت الکترونیکی تحت نظارت شاپرک فعالیت می‌کنند که به‌عنوان یکی از نهادهای تنظیم‌گر، نقش مهمی در هدایت این شرکت‌ها ایفا می‌کند از سوی دیگر اما سیاست‌های شاپرک نیز بیشتر بر جنبه‌های مالی تمرکز دارد و کمتر به نوآوری‌های لازم برای تحقق یک شهر هوشمند توجه می‌شود. این رویکرد باعث شده است که شرکت‌های فین‌تک و پرداخت، به‌جای تمرکز بر ایجاد راه‌حل‌های جامع و نوآورانه، همچنان درگیر مسائل مالی و تراکنشی باقی بمانند.

بسیاری از شرکت‌های فین‌تک به علت عدم توانایی در تعریف مدل‌های پایدار اقتصادی، به انحلال کشیده شده‌اند. این شرکت‌ها، به‌جای تمرکز بر نوآوری و ارائه خدمات متناسب با نیازهای شهروندان و سازمان‌ها، اغلب به دنبال جذب منابع مالی از طریق بانک‌ها هستند و این رویکرد باعث شده است که هوشمندسازی به‌عنوان یک هدف اصلی در نظر گرفته نشود.

شهرداری‌ها و نهادهای مرتبط، به علت مشکلات مالی و عدم توانایی در پرداخت هزینه‌های پروژه‌های بزرگ هوشمندسازی، به دنبال راه‌حل‌های کوتاه‌مدت و ارزان‌تر هستند. این موضوع باعث شده

است که بسیاری از پروژه‌های هوشمندسازی با شکست مواجه شوند یا نیمه‌کاره رها شوند. علاوه بر این، برخی از شهرداری‌ها

به‌جای تمرکز بر توسعه زیرساخت‌های هوشمند، به فروش خدمات جانبی و پروژه‌های غیرمرتبط مشغول شده‌اند که این امر نیز روند هوشمندسازی را مختل کرده است.

نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که عدم همکاری مؤثر میان سازمان‌های مختلف مانند شهرداری‌ها، بانک‌ها و شرکت‌های فین‌تک یکی از چالش‌های اساسی است؛ هر یک از این نهادها با زاویه دید خاص خود به مسئله هوشمندسازی و خدمات شهری نگاه می‌کنند و این عدم هماهنگی، باعث ایجاد سردرگمی در میان کاربران نهایی می‌شود. به‌عنوان مثال، اگر یک شرکت پرداخت الکترونیکی به شهرداری مراجعه

کند، اغلب تنها به‌عنوان یک ارائه‌دهنده خدمات تراکنشی دیده می‌شود و نمی‌تواند نقش مؤثری در ایجاد زیرساخت‌های هوشمند شهری ایفا کند. این در حالی است که برای تحقق یک شهر هوشمند، نیاز به همکاری نزدیک‌تر میان این نهادها و تعریف دقیق‌تر نقش هر یک از آن‌ها وجود دارد.

در حوزه خدمات مالی و پرداخت، یکی از مشکلات کلیدی، عدم تعریف درست مدل‌های کسب‌وکار است، او در این باره گفت:

سیاست‌های شاپرک بیشتر بر جنبه‌های مالی تمرکز دارد و کمتر به نوآوری‌های لازم برای تحقق یک شهر هوشمند توجه می‌شود



مدیریت شهر هوشمند، نیازمند نگاهی جامع و هماهنگ

هوشمند را دشوار می‌سازد. در نتیجه، مهم است که شهر هوشمند با نگاهی جامع و هماهنگ مدیریت شود، به طوری که شهروندان بتوانند بدون درگیر شدن در مسائل ساختاری یا نهادی، خدمات مورد نیازشان را سریع و کارآمد دریافت کنند. یکی از اصلی‌ترین الزاماتی که باید به آن توجه ویژه‌ای شود، امنیت سایبری و حفاظت از حریم خصوصی داده‌ها است. در پرداخت‌های الکترونیک، شهروندان باید اطمینان داشته باشند که داده‌های شخصی و مالی‌شان در امنیت کامل قرار دارد. بدون این اطمینان، هر چند خدمات پرداخت الکترونیک با کیفیت و سریع باشد، با عدم استقبال عمومی مواجه خواهد شد. امنیت باید به‌عنوان یکی از ارکان اساسی هر سرویس هوشمند، حتی پیش از راه‌اندازی خدمات، تضمین شود. در واقع، اگر سرویس ارائه‌شده نتواند امنیت داده‌ها



سعید فردانی

مدیرعامل سازمان فاوای شهرداری اصفهان

در روند هوشمندسازی شهرها، بحث پرداخت‌های الکترونیک و فین‌تک نقش مهمی ایفا می‌کند، گفت: یکی از چالش‌های اصلی در این مسیر، نگاهی سیلویی به شهر هوشمند است؛ به این معنی که هر بخش از شهر مانند شهرداری، بانک‌ها، و دستگاه‌های اجرایی، به‌جای همکاری یکپارچه، به‌طور مستقل عمل می‌کنند. این رویکرد نه تنها باعث سردرگمی شهروندان می‌شود، بلکه دستیابی به موفقیت در اجرای پروژه‌های شهر

زیرساخت‌های فنی و مدیریتی نیز باید به‌درستی پیاده‌سازی شوند تا خدمات هوشمند، به‌ویژه در حوزه فین‌تک و پرداخت، به‌صورت کارآمد و پایدار ارائه شود. او در همین راستا اضافه کرد: تجربه نشان داده است که

اگر الزامات مدیریتی به‌درستی تنظیم و اعمال شوند، کشور ما از نظر فنی ظرفیت بالایی برای توسعه این خدمات دارد. با این‌حال، هماهنگی بین بخش‌های مختلف و ایجاد یک اکوسیستم همگرا از بازیگران مختلف، از جمله شرکت‌های دانش‌بنیان و نهادهای اجرایی، ضروری است تا شهر هوشمند و خدمات پرداخت الکترونیک به شکل مؤثری در جامعه پیاده شود. به همین خاطر معتقدم برای موفقیت در مسیر هوشمندسازی، باید با نگاهی استراتژیک و آینده‌نگر به توسعه فین‌تک و پرداخت‌های الکترونیک پرداخت، تا بتوان نیازهای شهروندان را به بهترین نحو پاسخ داد.

**هوشمندسازی شهری نیازمند
نگاهی استراتژیک و
آینده‌نگر به توسعه
فین‌تک است**

را تأمین کند، نمی‌توان آن را یک سرویس قابل‌اعتماد و پایدار دانست.

در این میان فرهنگ‌سازی یکی دیگر از الزامات کلیدی در مسیر هوشمندسازی شهرها است؛ بدون آگاه‌سازی و آموزش

مناسب به شهروندان،

نمی‌توان انتظار داشت

که آنها به طور فعالانه

با این فناوری‌ها همکاری

کنند. شهروندان باید از

مزایای استفاده از پرداخت‌های

الکترونیک و سایر خدمات

هوشمند آگاه شوند تا اعتماد لازم را

کسب کنند. در بسیاری از موارد، دیده شده

که خدمات هوشمند راه‌اندازی می‌شود،

اما به دلیل عدم آگاهی عمومی، استقبال

چندانی از آن‌ها صورت نمی‌گیرد. از این‌رو،

فرایند آموزش و آگاه‌سازی باید به‌صورت

گام‌به‌گام انجام شده و پیش از انتظار

همکاری از شهروندان، اطلاع‌رسانی‌های لازم

صورت گیرد.

یکی دیگر از مواردی که در توسعه شهر

هوشمند باید به آن توجه کرد، یکپارچه‌سازی

زیرساخت‌ها است. در بسیاری از شهرها،

تصمیمات کلان توسط نهادهای مختلف

گرفته می‌شود و اجرا در بخش‌های

جداگانه‌ای صورت می‌گیرد. این ناهماهنگی

بین نهادها و دستگاه‌های اجرایی، به‌ویژه در

پرداخت‌های الکترونیک، می‌تواند مشکلات

زیادی ایجاد کند. برای مثال، اگر هر سازمان

یا نهادی سیستم پرداخت الکترونیک

مخصوص به خود را داشته باشد، این امر

نه تنها هزینه‌ها را افزایش می‌دهد، بلکه

هماهنگی بین سرویس‌های مختلف را نیز

دشواری می‌کند؛ بنابراین نیاز به شبکه‌های

ارتباطی متمرکز و قوانین یکپارچه‌ساز برای

پرداخت‌های الکترونیک وجود دارد.





شہانہائی بینک ہولڈنگ
SHAN HAI BANK ICT HOLDING

پنجمین نشست کافه تیف، همراه

بایدها و نبایدهای توکن سازی قانون مند

دبیر نشست:

محمد طهرانی

عضو هیئت علمی دانشگاه خاتم

و رئیس کارگروه توکن سازی انجمن بلاکچین ایران



هیثم حامدی

مدیر پژوهش، توسعه و
مطالعات اسلامی سازمان
بورس و اوراق بهادار



حمید بنائیان

عضو هیئت علمی دانشگاه
تربیت مدرس و معاون سابق
فناوری اطلاعات بانک آینده



امیرعباس اهامی

مدیرعامل شرکت نتو زرین



مهدی قادری

مدیرعامل شرکت
یکتا فقنوس پارس



گسترش توکنایز؛ راه حل بخشی از مشکلات اقتصاد کشور

مازادی دارند، ابزاری جذاب باشد. توکن‌سازی به‌عنوان ابزاری کاربردی می‌تواند به هدایت جریان‌های نقدینگی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری کمک کند. این ابزار مبتنی بر استانداردهای بلاک‌چین، اطمینان و اعتماد را به شبکه‌ای از کاربران در هر سطحی فراهم می‌آورد، چه برای افراد حقیقی و چه برای شرکت‌ها و صندوق‌های سرمایه‌گذاری. این ابزار می‌تواند معرف یک دارایی پایه باشد و در صورت تعریف ارزش و سودآوری، به‌عنوان ابزار سرمایه‌گذاری مورد استفاده قرار گیرد. علاوه بر این، توکن‌سازی می‌تواند برای افرادی که مایل به اشتراک‌گذاری دارایی‌ها و فرصت‌های خود با دیگران هستند، شرایط نقدشوندگی بهتری را فراهم آورد. فلسفه وجود نهادهای نظارتی، تضمین شفافیت و جلوگیری از کلاهبرداری است. در جوامعی که نظارت و قانون‌گذاری به‌درستی انجام نمی‌شود، قوانین تبدیل به قوانین قدرت می‌شوند و شرایط



حمیدبنایان
معاون سابق فناوری اطلاعات بانک آینده

توکن‌سازی می‌تواند در تحول نظام‌های اقتصادی نقش مؤثری ایفا کرده و به ایجاد ساختارهای مالی جدید منجر شود که نه تنها انعطاف‌پذیرتر، بلکه شفاف‌تر و کارآمدتر نیز باشند. این فناوری که بر اساس استانداردهای بلاک‌چین توسعه یافته، قابلیت ایجاد اطمینان و اعتماد را در میان کاربران، شرکت‌ها و صندوق‌های سرمایه‌گذاری دارد. توکن‌سازی می‌تواند برای افزایش نقدشوندگی دارایی‌ها و ایجاد فرصت‌های سرمایه‌گذاری جدید فراهم آورد که برای سرمایه‌گذارانی که منابع

ثابت و ضبط می‌شوند. این امر باعث می‌شود که تمام ذینفعان، از جمله بانک‌ها، مؤسسات مالی، شرکت‌ها و افراد، به اطلاعات مربوط به تراکنش‌ها دسترسی داشته باشند. این شفافیت می‌تواند به کاهش تقلب و فساد کمک کند و اعتماد بیشتری را در سیستم مالی ایجاد کند.

علاوه بر این، یک هاب بلاک چین می‌تواند به جلوگیری از انحصار و محدودیت‌های غیرضروری کمک کند. با ایجاد یک پلتفرم باز و قابل دسترس، این هاب می‌تواند امکان رقابت را برای همه فراهم کند و از ایجاد انحصار توسط شرکت‌های بزرگ جلوگیری کند. این امر می‌تواند منجر به نوآوری بیشتر و ارائه خدمات مالی بهتر برای مصرف‌کنندگان شود.

این ابزار می‌تواند راه‌حلی برای برخی مشکلات فعلی اقتصادی ارائه دهد، به‌ویژه در شرایطی که قوانین سنتی محدودیت‌هایی ایجاد می‌کنند. با ایجاد سازوکارهای ساده‌تر و کاهش موانع قانونی، می‌توان به فرصت‌های بیشتری در بازار دست یافت. علاوه بر این، توکن‌سازی می‌تواند به تسهیل توسعه ابزارهای مالی جدید و استفاده از ظرفیت‌های بلاک‌چین در شبکه‌های مالی کمک کند.

ما باید از اصلاح مقررات و ورود به حوزه‌های نوین استقبال کنیم. بلاک‌چین و توکن‌سازی در شرایط کنونی به‌مراتب کارآمدتر از ساختارهای سنتی هستند و می‌توانند ابزارهای نظارتی بهتر و شفاف‌تری ارائه دهند. ایجاد یک ساختار نظارتی مناسب می‌تواند نقش کلیدی در پذیرش و گسترش این فناوری‌ها ایفا کند و مسیر جدیدی برای اقتصاد دیجیتال باز کند.

ناعدلانهای را برای جامعه به وجود می‌آورند. فناوری بلاک‌چین به دلیل ویژگی‌های خاص خود از جمله شفافیت و امکان رصد نقل‌وانتقالات، می‌تواند نقش مهمی در کاهش ریسک‌های عملیاتی و بهبود نظام‌های بانکی و مالی ایفا کند.

نهادهای نظارتی، مانند بانک مرکزی، با ایجاد یک هاب بلاک‌چینی می‌توانند استانداردهای لازم را تعریف کرده و امکان تعامل میان شبکه‌های مختلف را فراهم سازند. این کار می‌تواند علاوه بر افزایش شفافیت،

فرصت‌های نوآوری را گسترش دهد و از انحصار و محدودیت‌های غیرضروری جلوگیری کند. وجود یک هاب نظارتی مشابه شبکه‌های شاپرک و شتاب می‌تواند نقشی کلیدی در کنترل تراکنش‌ها و مبادلات مالی ایفا کند و به مدیریت بهتر اقتصاد دیجیتال کمک کند. این هاب بلاک‌چین به عنوان یک پلتفرم متمرکز عمل می‌کند که در آن تمام تراکنش‌های مالی

**ایجاد یک ساختار نظارتی مناسب
می‌تواند نقش کلیدی در
پذیرش و گسترش توکن‌باز
ایفا کند**





توکن‌سازی، فرصت‌ها و چالش‌ها

یادداشت به بررسی ابعاد مختلف این مفهوم، از جمله تعریف، ماهیت، مزایا، چالش‌ها و الزامات قانونی آن پرداخته است.

توکن‌سازی به معنای استفاده از فناوری‌های نوین، از جمله بلاک‌چین، برای ایجاد ماهیتی به نام توکن در بسترهای مختلف است و باید به تفاوت توکن‌سازی با سکوریتی‌زیشن یا اوراق بهادارسازی در این حوزه توجه کرد چرا که توکن‌سازی تفاوت چندانی با این مفهوم ندارد، جز اینکه از فناوری‌های جدید استفاده می‌کند. ماهیت توکن تقریباً مشابه اوراق بهادار است و به نوعی نماینده حقوق مالی قابل نقل و انتقال است.



میثم حامدی

مدیر پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس و اوراق بهادار

مفهوم توکن‌سازی، به عنوان یکی از کاربردهای فناوری‌های نوین مانند بلاک‌چین، امروزه به موضوعی مهم در محافل اقتصادی و مالی تبدیل شده است. میثم حامدی، مدیر پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس و اوراق بهادار، در این

کنم چرا که به نظر می‌رسد که این موضوع در بسیاری از کشورها هنوز در حال بررسی و اصلاح است. از سوی دیگر ضرورت همکاری میان نهادهای تنظیم‌گر و فعالان بازار برای ایجاد یک فضای قانونی مناسب، امری گریزناپذیر است و برای تحقق توسعه در این حوزه باید حاکمیت قانونی را بپذیریم و در عین حال به دنبال ایجاد فضایی برای نوآوری باشیم. توکن‌سازی به عنوان یک پدیده نوظهور، می‌تواند فرصت‌های زیادی را برای بازار سرمایه و اقتصاد کشور ایجاد کند. با این حال، برای تحقق این امر، لازم است که چالش‌های قانونی و فنی مرتبط با این حوزه به درستی شناسایی و مدیریت شوند. به نظر می‌رسد که همکاری میان نهادهای تنظیم‌گر، فعالان بازار و متخصصان حقوقی می‌تواند نقش مهمی در ایجاد یک چارچوب قانونی مناسب و توسعه پایدار توکن‌سازی در کشور ایفا کند.

توکن‌سازی به عنوان یک پدیده نوظهور، می‌تواند فرصت‌های زیادی برای اقتصاد کشور ایجاد کند

شورای عالی بورس باید توکن را به عنوان مصداقی از اوراق بهادار شناسایی کند. توکن‌ها می‌توانند به عنوان یک رده دارایی جدید معرفی شوند، زیرا توانایی نمایندگی هر نوع دارایی را دارند. اگر توکن را به هر دارایی بچسبانید، می‌تواند آن را نمایندگی کند از جمله ارزش آن. توجه به الزامات بازار سرمایه برای توکن‌ها هم مسئله مهم دیگری است که باید به آن توجه کرد؛ فناوری مورد استفاده در توکن‌سازی

باید ایمن، رصدپذیر و قابل دسترس باشد. توکن‌ها باید در یک بازار رصدپذیر و شفاف نقل و انتقال پیدا کنند تا از فلسفه بازار خارج نشوند. به گفته وی، بازار سرمایه باید فضایی ایجاد کند که در آن، نقل و انتقالات قانونی و شفاف باشند و این موضوع به جلوگیری از مشکلات حقوقی کمک می‌کند.

واقعیت این است که هر کشوری باید به نظام حقوقی خود توجه کند؛ کشورهای مختلف در نحوه برخورد با توکن‌ها و قوانین مربوط به آنها تفاوت دارند؛ برخی کشورهای لیبرال هر چیزی که قانون منع نکرده را مجاز می‌دانند، در حالی که کشورهای دیگر ممکن است هر چیزی که قانوناً مجاز نشده را ممنوع اعلام کنند.

از این رو لازم می‌دانم بر ضرورت قانون‌گذاری به‌روز و مطابق با نیازهای اقتصادی در حوزه توکن‌سازی تأکید





بلاک چین؛ پارادایم جدیدی در ساختار اجتماعی و اقتصادی

دنیای بلاک چین، در واقع نمادی از یک ارزش است. این ارزش می‌تواند ریشه در دنیای واقعی داشته باشد یا صرفاً یک دارایی دیجیتال باشد. به عنوان مثال، توکن‌هایی که بر اساس سهام شرکت‌ها یا دارایی‌های فیزیکی مانند طلا ساخته می‌شوند، ارزش خود را از این دارایی‌ها می‌گیرند. در مقابل، توکن‌هایی مانند بیت‌کوین که به عنوان ارزهای دیجیتال شناخته می‌شوند، ارزش خود را از عرضه و تقاضا در بازار به دست می‌آورند.

یکی از مهم‌ترین کاربردهای فناوری بلاک چین، امکان ثبت و انتقال دارایی‌ها به صورت امن و شفاف است. با استفاده از این فناوری، می‌توان اطلاعات مربوط به مالکیت دارایی‌ها را به صورت دائمی و غیرقابل تغییر در یک دفتر کل توزیع شده ذخیره کرد. این امر باعث می‌شود



امیرعباس امامی
مدیرعامل شرکت نئوزرین

بلاک چین به عنوان یک پدیده نوظهور، امروزه توجه بسیاری از صاحب‌نظران و فعالان اقتصادی و اجتماعی را به خود جلب کرده است. این فناوری با ارائه قابلیت‌های منحصر به فرد، می‌تواند تحولات عمیقی در ساختار جوامع و اقتصادها ایجاد کند. در این یادداشت، به بررسی ابعاد مختلف این فناوری و تأثیرات آن بر جامعه و اقتصاد خواهیم پرداخت. توکن به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی در

مالی و امکان تقلب و جعل در مورد مالکیت دارایی‌ها به شدت کاهش یابد. علاوه بر این، بلاک‌چین امکان انتقال مستقیم دارایی‌ها بین افراد (بدون نیاز به واسطه) را فراهم می‌کند که می‌تواند هزینه‌ها و زمان انجام تراکنش‌ها را کاهش دهد.

بر جامعه و اقتصاد، نقش

رگولاتورها در توسعه

این فناوری بسیار مهم

است. رگولاتورها باید با

وضع قوانین و مقررات

مناسب، از حقوق کاربران

و سرمایه‌گذاران در این

حوزه محافظت کنند و در

عین حال، از نوآوری و توسعه این

فناوری نیز حمایت کنند.

فناوری بلاک‌چین با ارائه قابلیت‌های

منحصربه‌فرد، می‌تواند تحولات عمیقی در

ساختار اجتماعی و اقتصادی جوامع ایجاد

کند. با این حال، توسعه و پذیرش این فناوری

با چالش‌هایی مواجه است که نیازمند توجه

و همکاری همه ذینفعان است. با حل این

چالش‌ها و استفاده از ظرفیت‌های بلاک‌چین،

می‌توان آینده‌ای روشن‌تر برای اقتصاد و

رگولاتورها باید با وضع مقررات مناسب از حقوق کاربران و سرمایه‌گذاران محافظت کنند

جامعه رقم زد.

تراکنش‌ها را کاهش دهد. قراردادهای هوشمند یکی دیگر از قابلیت‌های مهم فناوری بلاک‌چین هستند. این قراردادها در واقع برنامه‌های کامپیوتری هستند که شرایط و نحوه اجرای یک توافق را به صورت خودکار تعیین می‌کنند. با استفاده از قراردادهای هوشمند، می‌توان بسیاری از فرآیندهای کسب و کار را خودکار کرد و نیاز به واسطه‌ها را کاهش داد. به عنوان مثال، در حوزه تجارت الکترونیک، می‌توان از قراردادهای هوشمند برای خودکارسازی فرآیند خرید و فروش کالاها و خدمات استفاده کرد.

با وجود مزایای فراوان، فناوری بلاک‌چین هنوز با چالش‌هایی در زمینه توسعه و پذیرش مواجه است. یکی از این چالش‌ها، مقیاس‌پذیری شبکه‌های بلاک‌چین است. در حال حاضر، بسیاری از شبکه‌های بلاک‌چین قادر به پردازش تعداد زیادی تراکنش در واحد زمان نیستند که این امر می‌تواند مانع از گسترش استفاده از این فناوری شود. علاوه بر این، مسائل مربوط به امنیت، حریم خصوصی و قوانین و مقررات نیز از دیگر چالش‌های پیش روی بلاک‌چین هستند.

یکی از موضوعات مورد بحث در حوزه بلاک‌چین، امکان ایجاد ارزهای دیجیتال ملی (مانند ریال دیجیتال) است. این ارزها می‌توانند مزایای زیادی برای اقتصاد کشورها داشته باشند، از جمله کاهش هزینه‌های چاپ و توزیع پول، افزایش شفافیت در تراکنش‌های





ضرورت ایجاد چارچوب رگولاتوری شفاف برای توکن‌سازی

می‌توانیم به نظم بیشتری در حوزه توکن‌سازی دست یابیم و از بروز مشکلات و ابهامات جلوگیری کنیم.

سال‌ها پیش، بانک مرکزی نگران این بود که توکن‌ها به ابزاری برای پرداخت هم‌تا به هم‌تا تبدیل شوند و این مسئله ریسک‌هایی برای اقتصاد ایجاد کند. اما اکنون شاهد هستیم که برخی پلتفرم‌ها، به ویژه در حوزه طلا، بدون استفاده از بلاک‌چین، این اقدامات را انجام می‌دهند. این واقعیت به ما یادآوری می‌کند که نگرانی‌های آن زمان همچنان در سطح اقتصاد وجود دارد.

فضای سندباکس باید به گونه‌ای طراحی شود که افراد بتوانند به راحتی قوانین را رعایت کنند. متأسفانه، بسیاری از کسانی که وارد این فضا



مهدی قادری
مدیرعامل شرکت یکتا فکتوس پارس

برخی از توکن‌ها به عنوان توکن‌های پرداختی مانند تتر و رمز ریال (که توسط بانک مرکزی معرفی شده) وجود دارند. در مقابل، توکن‌های اوراق بهادار باید تحت نظارت سازمان بورس قرار بگیرند. این تفکیک از آن جهت اهمیت دارد که هر نوع توکن باید تحت نظارت و رگولاتوری مناسب خود قرار گیرد. به گفته قادری، اگر بتوانیم نقش هر رگولاتور را به وضوح تعریف کنیم،



می‌شوند، با چالش‌های زیادی روبرو هستند که باعث ناامیدی آنها می‌شود. در واقع، برخی از این افراد به جای ادامه کار، از انجام فعالیت‌های خود در این حوزه پشیمان می‌شوند.

واقعیت این است که رگولاتورها باید انعطاف بیشتری در رویکرد خود نشان دهند تا فاصله میان نوآوری و رگولاتوری کاهش یابد. اگر نتوانیم این فاصله را کاهش دهیم، احتمالاً به سمت محدودیت‌های بیشتری حرکت خواهیم کرد که این امر به ضرر نوآوری و رشد اقتصادی کشور خواهد بود. بنابراین، ایجاد یک ساختار نظارتی مناسب که هم به نفع نوآوری باشد و هم از لحاظ قانونی معتبر باشد، ضروری است.

می‌توانیم از طریق تکنیک‌هایی مانند وضع امضای وزن‌دار روی حساب‌ها و استفاده از اسمارت کانترکت‌ها، نگرانی‌های رگولاتوری را پوشش دهیم و در عین حال فضای مناسبی برای نوآوری فراهم کنیم. در نهایت، اگر هدف ما ایجاد یک اکوسیستم مالی سالم و پایدار است، باید به نیازها و

نگرانی‌های هر دو طرف، یعنی نوآوران و رگولاتورها توجه کنیم. باید از تجارب جهانی استفاده کنیم و به سمت یک مدل رگولاتوری پایدار و مبتنی بر واقعیت‌های اقتصادی حرکت

کنیم. این همکاری می‌تواند به ما کمک کند تا به سمت یک فضای مالی کارآمدتر و شفاف‌تر حرکت کنیم، جایی که نوآوری و رگولاتوری دست در دست هم پیش بروند. این مهم نیازمند تعامل بین نهادهای نظارتی و فعالان حوزه توکن‌سازی است. به عبارت

دیگر برای

اینکه فضایی برای نوآوری فراهم شود، نهادهای نظارتی باید به شکلی همکاری کنند که ریسک‌ها کاهش یابد و در عین حال فرصت‌های جدیدی برای رشد اقتصادی ایجاد گردد. این امر می‌تواند منجر به ایجاد یک اکوسیستم مالی پایدار و کارآمد در کشور شود.

لازم میدانم بار دیگر بر اهمیت ایجاد یک چارچوب رگولاتوری شفاف و کارآمد برای توکن‌سازی تأکید کنم چرا که به نظر می‌رسد که ایجاد تعادل بین حمایت از نوآوری و مدیریت ریسک‌های مرتبط با این حوزه، از جمله چالش‌های اصلی پیش روی رگولاتورها و فعالان این عرصه است.

اگر بتوانیم نقش هر رگولاتور را به وضوح تعریف کنیم، به نظم بیشتری در حوزه توکن‌سازی دست می‌یابیم



انجمنات هوشمند شهر
مادینه، فناوری اطلاعات بانک شهر
SHAH BANK ICT HOLDING

ششمین نشست کافه تیف آبان ماه



چارچوب آمادگی هوش مصنوعی در صنعت بانکداری

دبیر نشست:

مسلم تقی‌زاده

پژوهشگر هوش مصنوعی دانشگاه تهران



محمد حسین کاشی

صاحب‌نظر اقتصاد دیجیتال و
عضو هیئت مدیره شرکت ارتباطات زیرساخت



داود محمدیگی

مشاور بانک خاورمیانه



فراهرز فیاض‌فر

مدیرعامل شرکت
راهکار سرزمین هوشمند



علی گل‌زاده

مدیرعامل شرکت داتا

مدیریت ریسک در بانک‌ها را می‌توان به هوش مصنوعی سپرد؟

بانکداری شخصی‌سازی‌شده (Personalized Banking) است که در آن سرویس‌ها بر اساس ذائقه و نیازهای خاص مشتری طراحی می‌شوند.

پرسونالایز بنکینگ می‌تواند با تحلیل داده‌های رفتاری مشتری، خدمات پیش‌بینی‌شده و متناسب ارائه دهد. به‌عنوان مثال، سیستمی که با بررسی رفتار مالی مشتری پیش‌بینی کند آیا مانده‌حساب وی برای چک‌های ماه جاری کافی است یا خیر، به افزایش رضایت و جذب مشتری کمک خواهد کرد.

در این میان هوش تجاری و پیش‌بینی‌های مبتنی بر هوش مصنوعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند؛ ترکیب هوش تجاری (BI) با قابلیت‌های پیش‌بینی (Predictive) می‌تواند به مدیریت ریسک بانک‌ها کمک کند، به‌ویژه در زمینه اعتبارسنجی، تخصیص وام و خدمات مالی. سیستم‌های کنونی اعتبارسنجی نیازمند بازنگری و به‌کارگیری داده‌های گسترده‌تر



فرامرزی‌فیاض‌فر
مدیرعامل شرکت راهکار سرزمین هوشمند

بیشتر سیستم‌های بانکداری در کشور که اکنون در حال استفاده هستند، متعلق به نسل سوم بانکداری، یعنی بانکداری الکترونیک‌اند. در این سیستم‌ها ارتباط میان مشتری و بانک یک‌سویه است؛ مشتری درخواستی ثبت می‌کند و بانک به‌صورت الکترونیکی آن را پاسخ می‌دهد؛ اما نسل پنجم بانکداری با تحول دیجیتال تعریف می‌شود، جایی که هوش مصنوعی و ارتباط دوسویه با مشتری به قلب این سیستم تبدیل شده است. مهم‌ترین ابعاد این تحول شامل

ما را از چالش‌های پیش روی صنعت بانکداری و هوش مصنوعی غافل کند؛ یکی از مهم‌ترین موانع، پراکندگی داده‌ها در سیستم‌های مستقل و عدم وجود زیرساخت‌های یکپارچه است. نبود قوانین منعطف و فضای بسته تعاملات بین‌المللی نیز از جمله موانع اصلی در این حوزه است. باید بپذیریم که تحول دیجیتال و هوش مصنوعی نیازمند سرمایه‌گذاری خارجی و تعاملات جهانی است.

از سوی دیگر نیز حاکمیت باید به‌جای محدودیت‌های مقرراتی، فضایی برای نوآوری و همکاری بین‌المللی فراهم کند. تنها در این صورت است که می‌توانیم از ظرفیت‌های کامل هوش مصنوعی و تحول دیجیتال در صنعت بانکداری بهره‌مند شویم.

مقررات سخت‌گیرانه و محدودیت‌های قانونی می‌توانند به مانعی بزرگ برای نوآوری و توسعه در صنعت بانکداری تبدیل شوند. زمانی که قوانین بیش از حد سخت‌گیرانه و پیچیده باشند، شرکت‌ها و استارت‌آپ‌ها با موانع زیادی برای ورود به بازار و ارائه خدمات جدید روبرو می‌شوند. این امر می‌تواند منجر به کاهش سرعت نوآوری و عقب ماندن از رقبا در عرصه بین‌المللی شود.

هستند تا بتوانند ارزیابی دقیق‌تر و به‌روزی از ریسک مشتری ارائه دهند.

توجه به مسئله شناسایی تقلب در بحبوحه این تغییرات، بسیار مهم است؛ درحالی‌که سیستم‌های فعلی بیشتر بر داده‌های گذشته تمرکز دارند، بانک‌ها نیازمند فناوری‌هایی هستند که به‌صورت فعال (Active) و در لحظه وقوع تراکنش، تقلب را شناسایی کنند. به‌علاوه، پیش‌بینی رفتارهای مشکوک می‌تواند به شناسایی حساب‌های اجاره‌ای و تراکنش‌های مرتبط با فعالیت‌های غیرقانونی کمک کند.

از سوی دیگر به نقش چت‌بات‌ها و ارتباطات نوآورانه در بانکداری دیجیتال نیز باید توجه کرد. بانک‌ها در حال حرکت به‌سوی

سیستم‌ها بی هستند که ارتباط تعاملی مشتری با بانک را تسهیل می‌کنند. نسل جدید چت‌بات‌ها می‌توانند خدمات بانکداری را از حالت

چند اپلیکیشنی به یک سیستم

گفت‌وگویی یکپارچه تبدیل کنند. این تکنولوژی‌ها نه تنها کاربر را درگیر می‌کنند، بلکه داده‌های حاصل از این تعاملات می‌توانند به بهبود فرایندها و تصمیم‌گیری‌های سازمانی کمک کنند.

استفاده از هوش مصنوعی به‌عنوان مغز متفکر فرایندها، بانک‌ها را قادر می‌سازد تا مسیرهای سنتی و طولانی را کوتاه‌تر کنند. برای مثال، در فرایند درخواست تسهیلات، AI می‌تواند بسیاری از مراحل را خودکار کرده و مشتری را سریع‌تر به نتیجه برساند. این امر به بهبود رقابت‌پذیری نئوبانک‌ها و جذب سرمایه بیشتر کمک می‌کند.

تأکید بر اهمیت استفاده از هوش مصنوعی نباید

**مقررات سخت‌گیرانه می‌توانند
به مانعی بزرگ برای نوآوری
و توسعه در بانکداری
تبدیل شوند**



هوش مصنوعی مولد؛ پرسش‌های درست، پاسخ‌های هوشمند

مشخصی تبدیل کنند.

یکی از ویژگی‌های برجسته هوش مصنوعی مولد، خلاقیت و تعامل انسان‌گونه آن است. در هوش مصنوعی مولد، برخلاف هوش مصنوعی سنتی، فرایندها نه تنها به بررسی داده‌ها محدود می‌شود، بلکه به خلق ایده‌های نو و ارائه راه‌حل‌های جدید نیز می‌پردازد. در هوش مصنوعی سنتی بیشتر به پیش‌بینی و تحلیل داده‌ها پرداخته می‌شد، اما در هوش مصنوعی مولد، این امکان فراهم می‌شود که سیستم‌ها به طور مستقل و خلاقانه محصولات جدید یا خدماتی نو ایجاد کنند. این تغییرات، به ویژه در زمینه توسعه و شخصی‌سازی خدمات، می‌تواند تحولی بزرگ در صنعت بانکداری ایجاد کند. هوش مصنوعی مولد می‌تواند در شخصی‌سازی



داوود محمدبیگی
مشاور بانک خاورمیانه

هوش مصنوعی مولد به یک ابزار ضروری برای تحول دیجیتال در بانک‌ها تبدیل شده است. هوش مصنوعی مولد به نوعی به انسان‌ها این امکان را می‌دهد که با پرسیدن سؤال‌های درست به جواب‌های هوشمند برسند. دقیقاً مثل سقراط که با پرسش‌های هوشمند به کشف حقیقت می‌پرداخت، امروز با هوش مصنوعی، کسب‌وکارها می‌توانند با پرسش‌های دقیق، ایده‌های تجاری خود را به اهداف



خدمات نقش کلیدی داشته باشد. امروزه بسیاری از بانک‌ها، از جمله جی‌پی مورگان و بانک‌های دیگر در دنیا، از چت‌بات‌ها و دستیارهای هوشمند برای تسهیل خدمات خود استفاده می‌کنند. این سیستم‌ها قادرند به مشتریان در مدت زمان کوتاه و به صورت هوشمند پاسخ دهند و تجربه‌ای بهتر و سریع‌تر برای مشتریان فراهم کنند.

هوش مصنوعی مولد می‌تواند به توسعه و شکل‌گیری محصولات جدید کمک کند. این محصولات ممکن است به قدری پیچیده و نوآورانه باشند که قبل از این، حتی فکر کردن به آنها غیرممکن به نظر می‌رسید. با توجه به پیچیدگی‌های موجود در رفتار تراکنشی افراد و تعدد سیستم‌های اطلاعاتی، هوش مصنوعی مولد می‌تواند راه‌حل‌های نوآورانه‌ای برای مشکلات موجود ارائه دهد. با وجود مزایای فراوان، پذیرش هوش مصنوعی در کشور با چالش‌هایی روبروست؛ در کشور ما هنوز یک خلاء وجود دارد و به نظر می‌رسد که بانک‌ها و شرکت‌های فعال در این حوزه نیاز به آگاهی بیشتری دارند تا جایگاه هوش مصنوعی مولد را در سبد خدمات خود پیدا کنند.

«در اتحادیه اروپا مقررات مشخصی برای هویت دیجیتال و حریم خصوصی وجود دارد که به کسب‌وکارها کمک می‌کند تا به درستی از داده‌های مشتریان استفاده کنند. در کشور ما اما، هنوز در این زمینه خلایقی وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد.» مسئولیت‌پذیری و ایجاد برنامه‌ای جامع در زمینه هویت دیجیتال باید بر عهده سازمان‌های مرتبط، به ویژه سازمان ثبت احوال باشد تا بتوانیم در عصر دیجیتال

از این مشکلات

عبور کنیم. هوش

مصنوعی مولد در

کنار چالش‌هایی که

به همراه دارد، می‌تواند

فرصتی بزرگ برای تحول

دیجیتال و بهبود تجربه

مشتری در صنعت بانکداری

باشد. به نظر می‌رسد که توجه به

نکات مطرح شده توسط محمدبیگی و

تلاش برای رفع چالش‌های موجود می‌تواند

به بانک‌ها و سایر سازمان‌ها در بهره‌برداری

مؤثر از هوش مصنوعی مولد و دستیابی به

مزایای آن کمک کند.

هوش مصنوعی مولد می‌تواند به توسعه و شکل‌گیری محصولات جدیدی کمک کند که حتی فکر کردن به آنها غیرممکن به نظر می‌رسید

یکی از موضوعات

مهم در حوزه هوش

مصنوعی، کشف

تقلب و شناسایی

هویت افراد است. در

حالی که در کشورهای

دیگر، هویت دیجیتال به طور

شفاف و قانونی تعریف شده است،

در کشور ما هنوز با چالش‌هایی در این زمینه

مواجهیم. به عنوان مثال، هویت دیجیتال در

کشور ما عمدتاً به کارت ملی محدود است و

از روش‌های دیگر برای شناسایی هویت افراد

استفاده نمی‌شود. محمدبیگی با اشاره به

تجربه کشورهای اروپایی در این زمینه گفت:

بومی‌سازی هوش مصنوعی در عین پیروی از استانداردهای بین‌المللی

در بالاترین سطح. در حوزه هوش مصنوعی، این حکمرانی باید شامل سیاست‌ها، ضوابط و چارچوب‌هایی باشد که به کاهش ریسک استفاده از این فناوری کمک کند، بهره‌وری را افزایش دهد، و مباحث اخلاقیات، عدالت، و شفافیت را در اولویت قرار دهد. حکمرانی در حوزه هوش مصنوعی پیش‌نیازهایی دارد که شامل سیاست‌گذاری‌های مشخص، مهارت‌های لازم، فرهنگ‌سازی، و مهم‌تر از همه زیرساخت‌های لازم برای بهره‌برداری از هوش مصنوعی است.

نقش دولت در حوزه هوش مصنوعی، حمایت و سرمایه‌گذاری است که این حمایت شامل سرمایه‌گذاری مستقیم، تدوین قوانین و سیاست‌هایی برای حکمرانی، ایجاد مشوق‌ها و کنترل پیامدهای منفی فناوری است. یکی از نکات کلیدی، توجه به اخلاقیات و حریم شخصی



محمدحسین کاشی

صاحب‌نظر اقتصاد دیجیتال و عضو هیئت مدیره شرکت ارتباطات زیرساخت

توسعه و کاربرد هوش مصنوعی به سرعت در حال گسترش است و نقش مهمی در تحول صنایع مختلف، از جمله صنعت بانکداری ایفا می‌کند. در این میان، چگونگی حکمرانی و تنظیم این فناوری، به ویژه با توجه به ضرورت بومی‌سازی در کنار رعایت استانداردهای بین‌المللی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

حکمرانی، در ساده‌ترین تعریف، یعنی کنترل و هدایت یک پدیده یا ساختار سازمان‌یافته

تدوین شود که الگوریتم‌ها، نحوه دسترسی به آن‌ها، و گردش اطلاعات را شفاف‌سازی کند. در حوزه امنیت نیز، استانداردهایی نظیر ایزو ۲۷۰۰۰ و سایر پروتکل‌های بین‌المللی می‌توانند برای رمزنگاری، انتقال داده، و تست‌های امنیتی مداوم استفاده شوند. همچنین، جلوگیری از سوگیری داده‌ها و الگوریتم‌ها و تضمین بی‌طرفی اطلاعات از وظایف اصلی حکمرانی هوش مصنوعی است.

بومی‌سازی تکنولوژی هوش مصنوعی، به‌ویژه الگوریتم‌های کلیدی، یکی از الزامات استراتژیک است. ما نیز باید استراتژی مشخصی برای ورود به باشگاه جهانی هوش مصنوعی تدوین کنیم و ضمن بومی‌سازی فناوری، از استانداردهای بین‌المللی نظیر امنیت داده و حریم خصوصی پیروی کنیم. بدون سیاست‌گذاری منسجم، خطر خروج نیروی انسانی ماهر و از دست رفتن ایده‌ها و نوآوری‌ها وجود دارد و انعطاف در قوانین همراه با نظارت دقیق می‌تواند این خطرات را کاهش داده و به رشد پایدار در حوزه هوش مصنوعی کمک کند.

در کاربرد هوش مصنوعی است. همچنین، دولت باید در حوزه زیرساخت‌های فنی، به‌ویژه برای هوش مصنوعی مولد، سرمایه‌گذاری کلان انجام دهد؛ چه در زمینه تجهیزات ذخیره‌سازی و انتقال داده و چه در توسعه الگوریتم‌های بی‌طرف که جلوی سوگیری جنسیتی، قومیتی یا اقتصادی را بگیرد.

بانک مرکزی به‌عنوان نهاد تسهیل‌گر و تنظیم‌گر، وظیفه دارد مرادوات مالی را در بستر ایجادشده توسط دولت کنترل کند. این شامل نظارت بر اعتباردهی و اعتبارسنجی مشتریان، تدوین استانداردهای امنیتی و حفاظت از اطلاعات کاربران است. به گفته وی، بانک مرکزی باید سطح دسترسی به داده‌ها را مشخص کند تا حداقل داده‌های لازم برای کسب‌وکارها و بانک‌ها به اشتراک گذاشته شود. این نهاد می‌تواند با یکپارچه‌سازی داده‌ها از هدررفت هزینه‌ها جلوگیری کرده و به استارت‌آپ‌ها و شرکت‌ها کمک کند از داده‌ها در راستای توسعه خدمات استفاده کنند.

یکی از چالش‌های همیشگی در حوزه فناوری، تعادل میان نوآوری و مقررات است. مقررات معمولاً نسبت به نوآوری عقب‌تر هستند و راه‌حل این مشکل، انعطاف در قوانین همراه با نظارت دقیق‌تر است. ایجاد سازوکارهایی مانند سندباکس می‌تواند به کسب‌وکارها اجازه دهد در محیطی کنترل‌شده و تحت نظارت، نوآوری کنند. قانون‌گذاران نیز باید آماده پذیرش اصلاحات در قوانین برای تسهیل رشد نوآوری باشند. برای تضمین شفافیت، باید مقرراتی

**حکمرانی، در ساده‌ترین تعریف
یعنی کنترل و هدایت یک پدیده
یا ساختار سازمان یافته در
بالاترین سطح**



استراتژی داده در سازمان‌های بزرگ؛ چالش‌ها و راهکارها

تعریف شوند و سیاست‌های کلانی که در سازمان باید پیاده‌سازی شوند، شفافیت داشته باشند. ایجاد یک کمیته داده‌ای برای نظارت بر سیاست‌ها و فرایندهای داده‌ای داخل سازمان‌ها نیز از جمله موارد دیگری است که باید به آن توجه کرد.

در بخش مدیریت داده، به سه مقوله اساسی باید اشاره کرد؛ شناخت داده، اطمینان به داده و استفاده از داده. چالش‌های مرتبط با شناخت داده و اطمینان از کیفیت و امنیت داده مقوله بسیار مهمی است که سازمان‌ها باید این دو مقوله را در کنار هم مورد توجه قرار دهند. متأسفانه در سازمان‌های بزرگ، به ویژه در سیستم‌های عملیاتی که داده تولید می‌شود، کیفیت داده معمولاً نادیده گرفته می‌شود. در حالی که برای معماری نرم‌افزار اسناد دقیقی وجود دارد، برای تولید داده چنین اسنادی وجود ندارد. اهمیت سواد داده‌ای در سازمان‌ها موضوع



علی گل‌زاده
مدیرعامل شرکت داتا

امروزه داده‌ها به عنوان یکی از ارزشمندترین دارایی‌های سازمان‌ها شناخته می‌شوند. با این حال، برای بهره‌برداری مؤثر از این دارایی، سازمان‌ها نیازمند تدوین و اجرای یک استراتژی داده جامع و کارآمد هستند. در بررسی استراتژی داده در سازمان‌ها باید به دو بخش کلیدی حاکمیت داده و مدیریت داده توجه و به چالش‌های موجود در این زمینه رسیدگی شود.

برای پیاده‌سازی استراتژی داده، باید به نقش‌ها، مسئولیت‌ها، سیاست‌ها و فرایندها توجه ویژه‌ای شود. در حاکمیت داده، باید نقش‌ها و مسئولیت‌ها به وضوح

اساس آن تسهیلات مناسب را پیشنهاد دهند. چالش‌های مربوط به امنیت داده‌ها در سرویس‌های آنلاین و عدم شفافیت در سیاست‌های سازمان‌ها در خصوص استفاده از داده‌های مشتریان نیز از جمله مواردی است که نباید از کنار

آن‌ها ساده عبور کرد؛ بسیاری از مشتریان نمی‌دانند که چه داده‌هایی از آنها جمع‌آوری می‌شود و چگونه از این داده‌ها استفاده می‌شود و این نقص شفافیت باید رفع شود و رضایت مشتری پیش از هرگونه استفاده از داده‌هایشان باید جلب شود.

سازمان‌ها در جذب و نگهداری نیروی متخصص در حوزه هوش مصنوعی و همچنین مقوله زیرساخت‌های سخت‌افزاری دچار چالش‌های فراوانی هستند؛ سازمان‌های بزرگ به علت ساختار پیچیده نمی‌توانند نیروی متخصص در حوزه‌های مختلف را به راحتی نگهداری کنند و در شرایط فعلی و با وجود تحریم‌ها، خرید تجهیزات مورد نیاز برای اجرای پروژه‌های هوش مصنوعی به شدت دشوار شده است.

یکی از راه‌های مقابله با چالش‌های موجود، تقویت فرهنگ داده در سازمان‌ها و تمرکز بر کیفیت داده‌هاست. وی معتقد است که باید به درستی از داده‌ها استفاده کنیم و از آن‌ها در تحلیل‌ها و گزارش‌ها بهره‌برداری کنیم، و در این مسیر، به کیفیت و امنیت داده‌ها توجه ویژه‌ای داشته باشیم. به نظر می‌رسد که توجه به نکات مطرح شده توسط گل‌زاده و تلاش برای رفع چالش‌های موجود می‌تواند به سازمان‌ها در بهره‌برداری مؤثر از داده‌ها و دستیابی به مزایای آن کمک کند.

مهمی است که متأسفانه کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد؛ فرهنگ داده در سازمان‌ها و توانایی کارکنان در استفاده صحیح از داده‌ها موضوعی است که غالباً در سازمان‌های بزرگ نادیده گرفته می‌شود. این سواد داده‌ای، به خصوص در رابطه با

امنیت و کیفیت داده، باید تقویت شود.

یکی دیگر از چالش‌های مهم، یکپارچه‌سازی داده‌ها در سازمان‌های

بزرگ است؛ در سازمان‌های

بزرگ، داده‌های جزیره‌ای زیادی

وجود دارند که یکپارچه‌سازی آن‌ها کار

دشواری است و این فرآیند نیاز به دانش فنی و کسب‌وکار بالایی دارد.

در حال حاضر، در سرویس‌های تسهیلات آنلاین، نرخ نکول بالا است زیرا سیستم‌های رتبه‌بندی به درستی نمی‌توانند رفتار مالی افراد را پیش‌بینی کنند. وی همچنین از تلاش این شرکت برای پیاده‌سازی سیستم‌هایی با استفاده از هوش مصنوعی خبر داده است که رفتار مالی افراد را به دقت تحلیل کنند و بر

فرهنگ داده در سازمان‌ها و توانایی کارکنان در استفاده صحیح از داده‌ها غالباً نادیده گرفته می‌شود





هفتمین نشست کافه تیف دی ماه

بررسی ابعاد و پیامدهای اصلاح نظام کارمزد شبکه پرداخت

دبیر نشست:

محمد صادق آزادانی

رئیس کمیسیون لندتک سازمان نصر



حمزه آقابابایی

مدیرعامل شرکت ایران کیش



اصغر باباپور

معاون فناوری اطلاعات
بانک ایران زهین



فرهاد وکیلان

مدیرعامل شرکت فاش



محمد رضا جمالی

مدیرعامل شرکت نبض افزار



چالش‌های اصلاح نظام پرداخت در ایران

ماهیت اصلاح نظام کارمزد این بود که همه در سیستم بانکی و غیربانکی باید یک‌بار نظام کارمزدی را بازنگری کنند. این اتفاق به دلیل عدم هماهنگی درست و مدیریت نادرست سیستم بانکی، در دور اول موفق نشد. در نهایت، در دوره بعدی، تلاش کردند تا ذی‌نفع‌ها را سهیم کنند و پذیرنده‌ها را نیز در کارمزد دخیل کنند. اما این مدل به دلیل ناترازی‌ها و مشکلات ساختاری سیستم، نمی‌توانست به‌درستی اجرا شود.

در اصلاحات موقت، تراکنش‌های خرد مبنای کارمزد قرار گرفت، اما این تغییرات نیز مشکلات خود را داشت. پی‌اس‌پی‌ها درآمد کافی نداشتند و سیستم دوباره به مشکلات قبلی برگشت؛ بنابراین، اگر ساختار سیستم اصلاح نشود، این اقدامات فقط درد را تسکین می‌دهند، نه درمان کامل. کش‌بک‌ها که به دلیل ناترازی‌ها و ارزیابی نادرست انجام می‌شوند، نمونه‌ای از این مشکل



اصغر باباپور
معاون فناوری اطلاعات بانک ایران زمین

در نظام معیوب، اصلاح کامل امکان‌پذیر نیست مگر اینکه بازیگران و تمام ارکان، یک‌بار اساسی و بر اساس یک مدل درست، دوباره بازتعریف شوند. در غیر این صورت، اصلاحات موقتی خواهند بود و سیستم دوباره به چرخه معیوب خود بازمی‌گردد. برای مثال، اگر در یک لاین خاص کار می‌کردیم، دوباره به لول بالاتر می‌رود، ولی باز هم همان چرخه با یک مدل جدید ادامه می‌یابد، مانند نظام کارمزد.



هستند.

مدل نظام بانکی و پرداخت ایران با مدل‌های جهانی همخوانی ندارد. در بسیاری از کشورها، بانک‌ها و شبکه‌های پرداخت به طور صحیح و بر اساس اصول کارمزد عمل می‌کنند. اما در ایران، به دلیل مشکلات ساختاری، ناترازی‌ها و رقابت‌های ناسالم، این سیستم به درستی کار نمی‌کند.

اگر پی‌اس‌پی‌ها به طور غیربانکی و با مدل خدماتی شفاف عمل می‌کردند، هیچ‌گاه این مشکلات به وجود نمی‌آمد. اما در ایران، به دلیل رقابت‌های نادرست و سیستم ناکارآمد، مشکلات همچنان ادامه دارند. اصلاح این ساختار نیازمند تغییرات اساسی و بازنگری در مدل‌هاست.

قاعده ناترازی باعث می‌شود که بسیاری از مسائل به شما تحمیل شود و در شرایط استیبل و صحیح نمی‌توانید تصمیم درستی بگیرید. الان در حوزه‌هایی مثل آب، برق، شبکه بانکی و شبکه پرداخت با ناترازی مواجهیم. در این شرایط، درآمدها کافی نیست و هزینه‌ها زیاد است، از جمله هزینه‌های نیروی انسانی، خدمات، بهسازی شبکه و تجهیزات سخت‌افزاری. درآمدها

همپوشانی ندارد و رقابت

ناسالم است. در این وضعیت، رگولاتور به جای سودآوری به امنیت اجتماعی و سیاسی جامعه توجه دارد.

او تصمیم‌هایی می‌گیرد که شرایط ملت‌هت‌جامعه را تشدید نکند

و همچنین تصمیماتی اتخاذ می‌کند که بین بد و بدتر، تصمیم بد را ترجیح می‌دهد. این تصمیمات هرچند که بهینه نیستند، در شرایط موجود بهتر از گزینه‌های بدتر هستند.

ناترازی‌ها در جامعه ما به دلایل مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به وجود

آمده‌اند. در بحث شبکه بانکی، مؤسسات زیادی پول جمع کردند که نتوانستند آن را بازپرداخت کنند. دولت عملاً این ناترازی‌ها را ایجاد کرده است و منابع در جایی که نباید مصرف شده‌اند. به همین دلیل، در شرایط کنونی تصمیمات درست و اقتصادی امکان‌پذیر نیست و ناترازی‌ها ادامه پیدا خواهند کرد.

اگر بخواهیم تصمیمات بهینه بگیریم، باید همه بازیگران ذی‌نفع را درگیر کنیم و فشارها را در کوتاه‌مدت کاهش دهیم، ولی این شرایط برای بلندمدت پایدار نخواهد بود.

اگر سیستم پرداخت آنلاین هزینه واقعی خود را داشته باشد، مردم حاضرند هزینه آن را بپردازند،

اما باید انتخاب‌های متنوعی داشته باشند. در این سیستم، کارمزد باید از مصرف‌کننده نهایی گرفته شود، چرا که در شرایط کنونی بانک‌ها و پذیرندگان قادر به پرداخت این هزینه‌ها نیستند.

در نظام معیوب، اصلاح کامل امکان‌پذیر نیست مگر اینکه تمام بازیگران بر اساس یک مدل درست، بازتعریف شوند



نظام کارمزد؛ تعادل میان ریسک و هزینه

برخی پذیرندگان حاضر به پرداخت هزینه خدمات نیستند و حتی سهمی از کارمزد PSP را به شکل کشیک دریافت می‌کنند. از سوی دیگر، کج‌گزینی به رقابت مخرب میان شرکت‌های PSP برمی‌گردد که برای جلب پذیرندگان، آفرهای غیرمنطقی ارائه می‌کنند. طی سال‌های متمادی، عدم تغییر در نظام کارمزد باعث شد بخش زیادی از درآمد شرکت‌های پرداخت صرف کشیک، پاداش و طرح‌های مشابه شود. این امر به فرسایش منابع مالی شرکت‌ها و کاهش سود عملیاتی آن‌ها انجامید و در نتیجه، نظم مالی این شرکت‌ها دچار مشکل شد. اگرچه اقدامات انجام شده در راستای اصلاح نظام کارمزد در تیر ۱۴۰۱ گامی مثبت برای بهبود شرایط بود و حیات تازه‌ای به شرکت‌های پرداخت دمید؛ اما کافی نیست. با نوسانات اقتصادی کشور، لازم است این نظام به طور منظم بازتعریف شود.



حمزه آقابابایی
مدیرعامل شرکت ایران کیش

بررسی فراز و فرودهای صنعت پرداخت الکترونیکی در ایران نشان می‌دهد، تدوین نظام کارمزد به شکل صحیح، نقش مهمی در کارایی بیشتر این صنعت و گسترش توان و امکان ارائه خدمات کلیدی توسط این صنعت به سایر بخش‌ها دارد. این نظام باید به گونه‌ای باشد که دو اصل مهم را تأمین کند؛ کمیته‌سازی ریسک معامله و حداقل‌سازی هزینه معامله. در غیر این صورت، تعادلی بد شکل می‌گیرد که پیامدهای آن شامل کج‌منشی و کج‌گزینی است. کج‌منشی به این معناست که

متنوع و منطبق بر نیاز بازار می‌توان این وضعیت را بهبود بخشید.

در این میان بانک مرکزی نیز باید نقش خود را بازتعریف کند؛ آیا می‌خواهد تنها نظارت کند یا نقشی فعال در تنظیم‌گری ایفا کند؟ اگر صرفاً نظارت‌گر باشد، امکان شکل‌گیری نظامی پایدار فراهم نمی‌شود. تمامی بازیگران این

اکوسیستم، از بانک‌ها و شرکت‌های PSP گرفته تا پرداخت‌یارها و لندتک‌ها، باید نقش مشخصی در این نظام داشته باشند.

واقعیت این است که ما اکنون با بازارهای نوظهوری مانند کریپتو مواجهیم که نیازمند رگولاتوری دقیق و به‌موقع هستند. باین‌حال، تأخیر در ورود به این حوزه‌ها باعث شده بخش زیادی از فرصت‌ها از دست برود. در همین حال، شاخص‌های نوآوری و تنظیم‌گری در کشور افت کرده‌اند که این مسئله نیازمند بازنگری جدی است.

در پایان لازم است تأکید کنم نظام کارمزد در صنعت پرداخت با چالش‌های جدی روبروست و نیازمند اصلاحات اساسی است. توجه به نکات مطرح شده توسط وی و تلاش برای رفع مشکلات موجود می‌تواند به توسعه و پیشرفت این صنعت در کشور کمک کند. به نظر می‌رسد که ایجاد تعادل بین حمایت از نوآوری و مدیریت ریسک‌های مرتبط با این حوزه، از جمله چالش‌های اصلی پیش روی رگولاتورها و فعالان این عرصه است.

در بسیاری از کشورها، نظام کارمزد حداقل دو بار در سال بازبینی می‌شود. ما نیز باید چنین رویکردی را در پیش بگیریم و با الگوگیری از تجربه‌های جهانی، نرخ خدمات پرداخت را متناسب با تغییرات اقتصادی اصلاح کنیم. چنین اصلاحاتی قطعاً به شرکت‌ها کمک می‌کند تنوع لازم را در ابزارهای پرداخت ایجاد کنند که یکی

از راهکارهای مهم آن ارائه ابزارهای متنوع و متناسب با نیازهای مشتریان است. باید حق انتخاب را به مصرف‌کننده نهایی

بدهیم تا بتواند ابزار مناسب را

انتخاب کند، خواه ابزارهای سنتی مثل کارت‌خوان یا روش‌های نوین مثل کیف پول دیجیتال و کدهای QR. به گفته وی، انحصارگرایی و اقتصاد دستوری ما را به این نقطه رسانده است و تنها با طراحی ابزارهای

شاخص‌های نوآوری و تنظیم‌گری در کشور افت کرده‌اند که این مسئله نیازمند بازنگری جدی است





لزوم اصلاح ساختار پرداخت‌های خرد در ایران

در حال حاضر، سیستم پرداخت کشور به‌گونه‌ای است که تراکنش‌های زیادی، به‌ویژه تراکنش‌های خرد، با استفاده از ابزارهای گران‌قیمت انجام می‌شود. استفاده از این ابزارها برای تراکنش‌های زیر ۲۰۰ هزار تومان، هزینه‌ها را به‌شدت افزایش می‌دهد و در نهایت، تأثیر منفی بر کل سیستم می‌گذارد. به‌جای استفاده از این ابزارها برای پرداخت‌های کوچک، باید ابزارهای مناسب‌تری طراحی شود.

در کشورهای پیشرفته، کارمزدها به‌گونه‌ای تنظیم می‌شود که بانک‌ها و سیستم‌های پرداخت از آن بهره‌برداری کنند و حتی در مواردی که افراد نتوانند بدهی خود را پرداخت کنند، بانک‌ها از سود پایین‌تری برخوردار می‌شوند. این امر باعث می‌شود که نرخ بهره پایین بماند و اقتصاد در مسیر رشد قرار گیرد؛ بنابراین توجه به طراحی سیستم‌های پرداخت و اصلاح بازار در کشور، یک ضرورت است و بسیاری از



محمد رضا جعفری
مدیرعامل شرکت نبض‌ایران

طراحی نامناسب ابزارهای پرداخت و حامل‌های پول یکی از اصلی‌ترین علل زیان‌دهی شرکت‌های پرداخت در ایران است؛ استفاده از ابزارهای پرداخت گران‌قیمت برای تراکنش‌های کوچک، نه تنها هزینه‌ها را کاهش نمی‌دهد، بلکه منجر به افزایش آنها می‌شود. این در حالی است که در کشورهای توسعه‌یافته، از سیستم کارمزد برای پوشش هزینه‌ها استفاده می‌شود و بانک‌ها با ایجاد خط اعتباری پشت تراکنش‌ها، به رونق کسب‌وکارها و افزایش فروش کمک می‌کنند.

ایجاد فضای مناسب برای توسعه ابزارهای پرداخت خرد و کاهش هزینه‌ها، می‌تواند تأثیر مستقیمی بر رشد اقتصادی و کاهش فقر در جامعه داشته باشد. با تسهیل دسترسی مردم به خدمات مالی و اقتصادی، امکان مشارکت آنها در فعالیت‌های اقتصادی و کسب‌وکارها افزایش می‌یابد که این امر می‌تواند به افزایش تولید، اشتغال و درآمد سرانه منجر شود. علاوه بر این، کاهش هزینه‌های زندگی و افزایش رفاه عمومی می‌تواند به کاهش فقر و بهبود شرایط زندگی و اقشار کم‌درآمد جامعه کمک کند.

در نتیجه، توجه به نمونه‌های موفق جهانی در زمینه زیرساخت‌های شبکه‌های مالی و اقتصادی و تلاش برای بومی‌سازی آنها با توجه به شرایط خاص کشور، می‌تواند گامی مؤثر در جهت تسهیل دسترسی مردم به خدمات مالی و اقتصادی، توسعه ابزارهای پرداخت خرد، کاهش هزینه‌ها و در نهایت، رشد اقتصادی و کاهش فقر در جامعه باشد.

تراکنش‌های خرد باید با استفاده از ابزارهایی مانند کیف پول‌ها، سکه و اسکناس انجام شوند، اما متأسفانه به این بخش‌ها توجه کافی نشده است. این مشکلات باعث می‌شود که تراکنش‌ها به‌درستی و به‌صورت بهینه انجام نشوند.

از جمله این اصلاحات، تغییر هزینه‌های بالای کارمزد های کارت به کارت است؛ این هزینه‌ها ناشی از طراحی غلط سیستم پرداخت است. در کشور ما، شبه پول بیش از ۹۷ درصد سپرده‌ها را تشکیل می‌دهد که این مسئله در نظام پرداخت تأثیر منفی گذاشته و خلق پول را پیچیده کرده است. کیف پول می‌تواند به‌عنوان

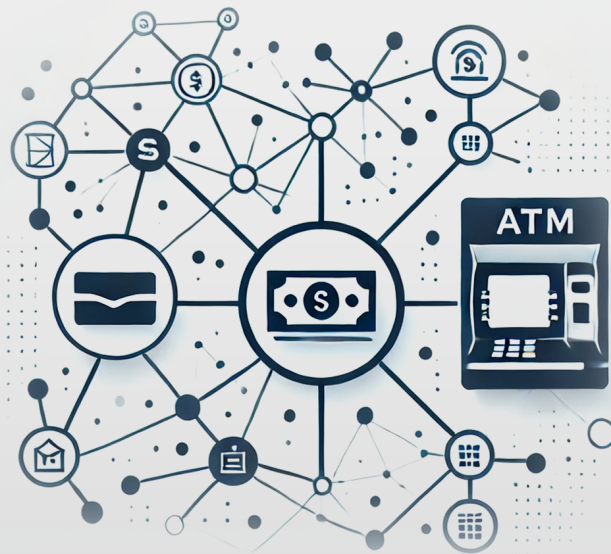
یک ابزار صحیح برای تسویه‌ها عمل کند و اگر تنظیم‌گری درستی در این زمینه اعمال شود، می‌توان از آن به‌درستی استفاده کرد.

ایجاد ابزارهای پرداخت خرد، به شکل‌گیری مصرف مسئولانه کمک می‌کند و این موضوع به کاهش فقر، ایجاد دسترسی و بهبود کیفیت زندگی در جامعه منجر می‌شود. از طرفی، با ایجاد کارمزدهای مناسب و کاهش هزینه‌ها، می‌توان فرایندهای اقتصادی را به‌گونه‌ای طراحی کرد که به نفع توسعه پایدار و رفاه عمومی باشد.

تردید نیست که باید به نمونه‌های موفق زیرساخت‌های شبکه‌های جهانی توجه کرد چرا که هدف ما باید تسهیل در دسترسی به خدمات مالی و اقتصادی با کمترین هزینه ممکن باشد. ایجاد فضای مناسب برای توسعه ابزارهای پرداخت خرد و کاهش هزینه‌ها می‌تواند به رشد اقتصادی و کاهش فقر کمک کند.

ایجاد فضای مناسب برای توسعه ابزارهای پرداخت خرد و کاهش هزینه‌ها، تأثیر مستقیمی بر رشد اقتصادی و کاهش فقر دارد





لزوم قانون گذاری صحیح برای رشد صنعت پرداخت

این امر، نیاز به یک قانون گذاری درست و زیرساخت های فنی مناسب داریم. یکی از مشکلات اصلی در این مسیر، نحوه قانون گذاری در حوزه بانکداری و پرداخت است؛ بدترین نوع تنظیم گری، وقتی است که شما پشت در بسته قانون بنویسید. در حال حاضر، هر قانونی که در حوزه بانکداری و پرداخت تصویب می شود، معمولاً بدون مشورت با ذی نفع ها و کسب و کارها اتفاق می افتد و این مسائل باعث ایجاد مشکلات و دردسرهای فراوان برای کسب و کارها می شود؛ بنابراین اگر رگولاتور می خواهد قانون مناسبی وضع کند که قابلیت اجرا داشته باشد، باید با کسب و کارهایی که در این حوزه فعالیت می کنند، مشورت کند.

به عنوان نمونه می توان به مشکلات رگولاتوری در حوزه نئوبانکها اشاره کرد؛ از چند سال قبل تب تندى در بازار برای



فرهاد وکیلیان
مدیرعامل شرکت فناوریان ایمن شبکه (فانش)

در گذشته، تعداد دستگاه های پوز در کشور بسیار محدود بود و کارمزد از پذیرندگان به صورت توافقی دریافت می شد؛ اما امروزه شرایط متفاوت است و هزینه های استفاده از دستگاه های پوز برای بسیاری از PSPها و بانکها زیان آور شده است. باتوجه به اینکه حدود ۸۵ درصد تراکنش های کشور کمتر از ۲۰۰ هزار تومان هستند، کیف پول های دیجیتال می توانند به عنوان یک راهکار مناسب برای کاهش هزینه ها و تسهیل تراکنش های خرد مورد استفاده قرار گیرند؛ ولی برای تحقق

است. یکی از مشکلات اصلی در حوزه رگولاتوری، عدم مشورت با ذی‌نفعان و کسب‌وکارها در فرایند قانون‌گذاری است. بسیاری از قوانین بدون توجه به واقعیت‌های بازار و نیازهای کسب‌وکارها تصویب می‌شوند که این امر منجر به ایجاد مشکلات و محدودیت‌های جدی برای فعالان این حوزه می‌شود. عدم شفافیت در تعیین هزینه‌ها و کارمزدها می‌تواند منجر به ایجاد رقابت ناعادلانه و بروز مشکلات برای کسب‌وکارها شود؛ بنابراین باید هزینه‌ها به طور شفاف و مشخص تعیین شوند تا از ایجاد انحصار و سوءاستفاده جلوگیری شود.

از سوی دیگر نیز گاهی اوقات قوانین و مقررات موجود، مانع از نوآوری و توسعه در صنعت پرداخت می‌شوند. به‌عنوان مثال، محدودیت‌های موجود در زمینه ارائه خدمات نوین مانند کیف پول‌های دیجیتال می‌تواند مانع از رشد و پیشرفت این فناوری‌ها شود.

راه‌اندازی نئوبانک‌ها ایجاد شد؛ اما بعد از اینکه چند بانک جدید راه‌اندازی شدند، رگولاتور با وضع قوانین جدید، فعالیت نئوبانک‌ها را محدود کرد و به تدریج این تب فروکش کرد. این موضوع نشان می‌دهد که قانون‌گذاری بدون توجه به واقعیت‌های بازار و نیازهای کسب‌وکارها می‌تواند منجر به ایجاد مشکلات و محدودیت‌های جدی برای آنها شود.

در این میان ضرورت شفافیت در تعیین هزینه‌ها و رقابت در صنعت پرداخت مقوله مهمی است چرا که برای پیشرفت این صنعت، باید هزینه‌ها به طور شفاف و مشخص تعیین شود. در

این مورد می‌توان برای نمونه به مشکلاتی که در زمینه کش بک و حمایت بانک‌ها از PSPها وجود دارد، اشاره کرد. اگر این مسائل به درستی مدیریت نشوند، رقابت از بین می‌رود و بانک‌ها تمام شرایط قراردادهای را تعیین می‌کنند و حتی در تعیین مدیران و هیئت‌مدیره شرکت‌ها دخالت می‌کنند. بانک‌ها باید به تدریج از این فضا خارج شوند و اجازه دهند شرکت‌های PSP فعالیت‌های خلاقانه و نوآورانه خود را ادامه دهند.

با در نظر گرفتن موارد اشاره شده و نمونه‌هایی که ذکر شد در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت ایجاد تعادل بین حمایت از نوآوری و مدیریت ریسک‌های مرتبط با این حوزه، از جمله چالش‌های اصلی پیش روی رگولاتورها و فعالان این عرصه

بدترین نوع تنظیم‌گری، نوشتن مقررات پشت درهای بسته است





رأسوز هوشمند شهیر
City Smart Banking (CSB)



ارتباطات هوشمند شهیر

هلدینگ فناوری اطلاعات و ارتباطات بانک شهیر



ارتباطات هوشمند شهیر
هلدینگ فناوری اطلاعات بانک شهیر
SHARQ BANK ICT HOLDING

